توانا بود هر که دانا بود

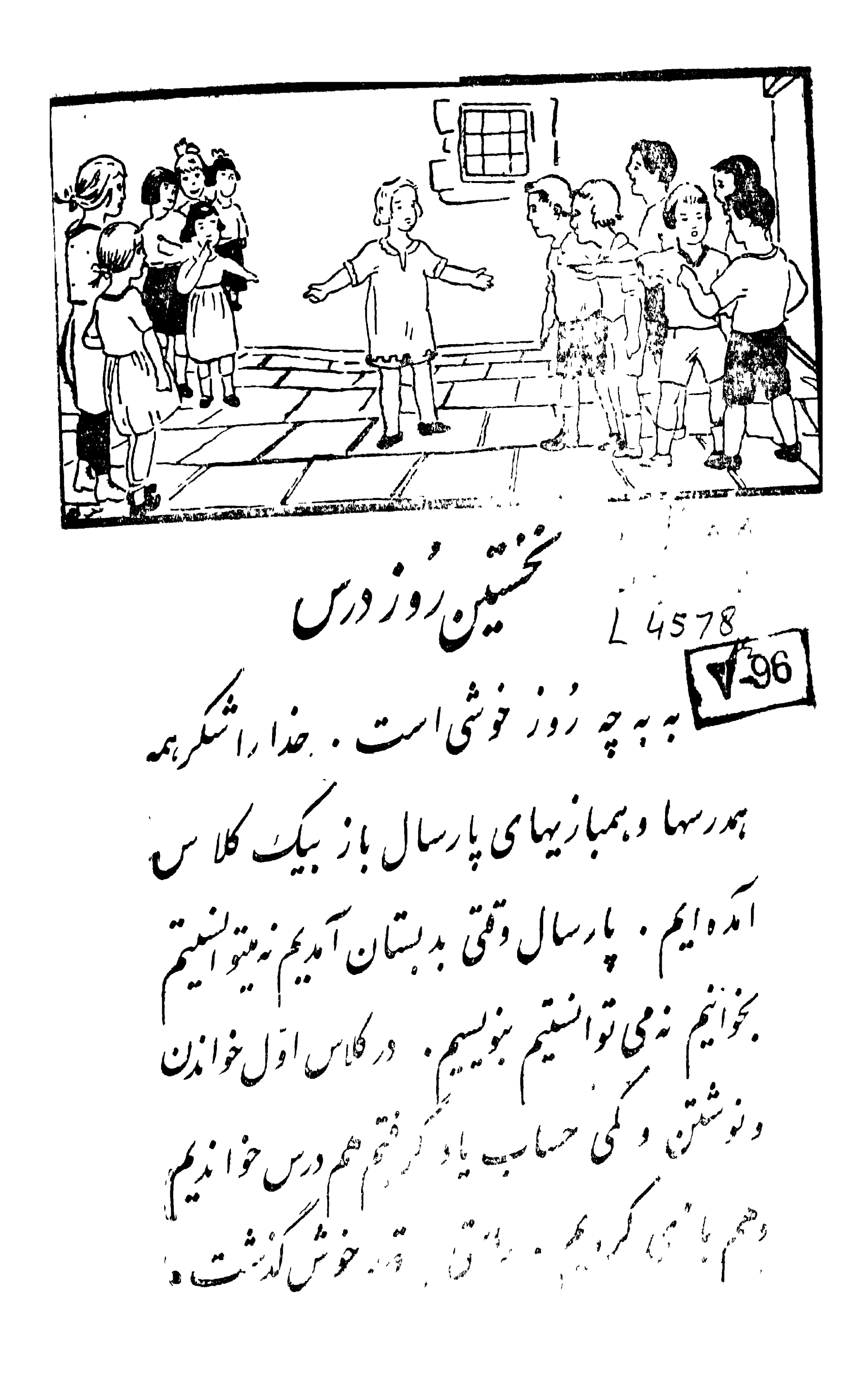
# کتاب دوم ابتدایی



۱۳۲۴

چاپخانه کیهان

حالا که بکلاس دوّم آمده ایم همه میتوانیم
بخوانیم و بنویسیم . در این کلاس هم قصّه های
خوش مزه و چیزهای تازه یاد میگیریم -
نقّاشی میکنیم - سرود میخوانیم و آن قدر خوب
درس میخوانیم که آموزگار و پدران و مادران
ما از ما راضی بشوند .



# نخستین روز درس



به به چه روز خوشی است . خدا را شکر همه
همدرسها و همبازیهای پارسال باز بیک کلاس
آمده ایم . پارسال وقتی بدبستان آمدیم نه میتوانستیم
بخوانیم نه می توانستیم بنویسیم . در کلاس اول خواندن
و نوشتن و کمی حساب یاد گرفتیم هم درس خواندیم
و هم با هم بازی کردیم . بما خیلی خوش گذشت .



**۱ ـ مشاهدهٔ شکل** ـ در این شکل چه می بینید ؟

**۲ ـ گفتگو** ـ در خصوص شکل و رنگ و مزهٔ قند و صابون و همچنین در خصوص ترازو و سنگ کیلو (۱)

# مغازهٔ خوار بار فروشی

دیروز با پدرم بیک مغازهٔ خوار بار فروشی رفتم صاحب مغازه جلو آمد و پرسید : آقا چه میل دارید ، پدرم گفت خواهش دارم (۲) یک کیلوگرم قند و یک بطری سرکه بمن بدهید.

---

(۱) آموزگار ترازو و سنگ کیلو را نشان بدهد ـ اطفال برای دریافتن وزن کیلو سنگ کیلو را در دست بگیرند تا وزن آنرا دریابند سپس در ترازو بنهند و چیزهای مختلف ( نخود ـ لوبیا ـ ریگ . . ) بکشند .

(۲) سعی شود که نوآموزان با الفاظ صحیح و مؤدب با کاسبها حرف بزنند

فروشنده قند را کشید و بطری را از سرکه
پر کرد قند و بطری را بپدرم داد و پولش را
گرفت و گفت : خوش آمدید .
قند را من بخانه آوردم و بطری سرکه را
پدرم آورد .

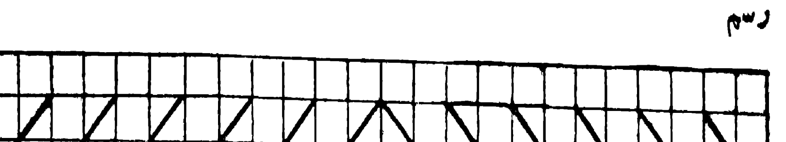
---

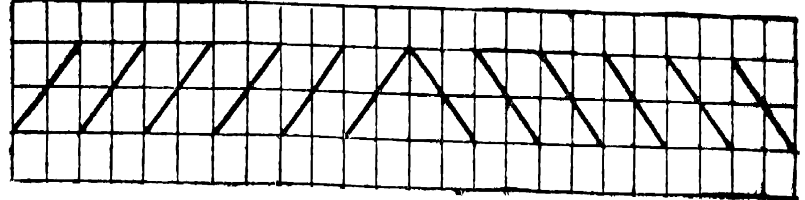
۱ - پرسش — وقتی برای خرید بمغازه‌یی میروید صاحب مغازه بشما چه میگویید ؟ - شما بصاحب مغازه چه میگویید ؟ چرا بطری سرکه راپدر بمنزل آورد و قند راپسرش ؟
۲ - این کلمات را که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار با مداد بنویسید.(۱)
مغازه - یك کیلو گرم قند - یك بطری سرکه - فروشنده قند را کشید .
۳ - بازی پرسش و پاسخ مشتری وکاسب ( چه میفروشی ؟ قیمت آن چیست ؟ )
۴ - رونویسی - درس را باخط خوب و بامداد یك بار بنویسید(یادتان برود که دندانه ها و نقطه های روی حرفها را بگذارید ) .

---

(۱) کلمات تازهٔ درس قبلا روی تخته سیاه نوشته شود

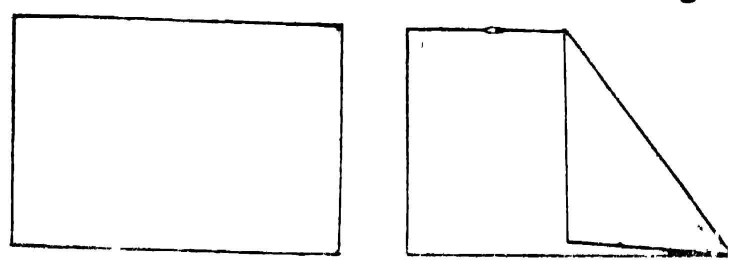
رسم





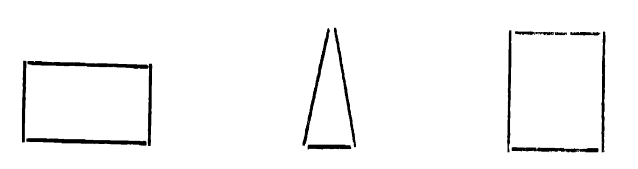
در روی کاغذ شطرنجی مانند این خط های مایل بکشید.

کار دستی



۱ ـ مطابق شکل دست چپ از کاغذ ببرید ۲ ـ مطابق شکل دست راست تا کنید و ببرید تا یک مربع و دو سه گوشه بدست آید.

این شکلها را بکشید :



# غذای خوشمزه

دیشب پدرم زود بخانه آمد. ما همه منتظر او
بودیم. برادر کوچکم جلو دوید. پدرم او را بلند کرد
و نوازش داد مادرم شام را حاضر کرد. همه سر
سفره نشستیم. هر کس ظرف خود را پیش برد و مادرم
قسمت او را داد. خواهر من خیلی از غذای دیشب
خوشش آمد. قسمت خودش را زودتر از دیگران تمام
کرد، دوباره بشقابش را نزدیک برد و گفت مادر
جان عجب غذای خوشمزه ای است دوباره بشقاب مرا
پر کنید.

۱- بازگویی حکایت - این حکایت را یک بار برای همشاگردان خود بگوئید
در جلوی کلاس راست بایستید و به شاگردان نگاه کنید و شمرده و رسا حرف بزنید

۱- آموزگار در اجرای این دستور بسیار دقت کند.

۲- آموزگار این کلمات و عبارات را : منتظر - نوازش - حاضر - ظرف غذا -
خوشمزه - پدرم او را نوازش داد - عجب غذای خوشمزه ای است بخط نستعلیق روی
تخته سیاه بنویسید تا نوآموزان پنج بار از روی آن در دفترچه خود بنویسند.



۱ ــ **مشاهدهٔ شکل** ـ در این شکل چه می بینید ؟
۲ ـ **گفتگو** ـ در خصوص شکل و رنگ و جنس بشقاب ـ **فایده هریک** از ظروف غذا خوری ( بشقاب ـ کاسه ـ کارد ـ **چنگال** ـ قاشق . . . ).

# میز غذا را من می چینم

عزیزه ــ مادر جان امروز که روز جمعه است اجازه بدهید میز غذا را من بچینم .

مادر ــ عیبی ندارد بشرط اینکه چیزی نشکنی وسفره راکثیف نکنی.

عزیزه ــ آسوده باشید همه چیز را طوری می چینم که شما بپسندید .

رفتم سفره را آوردم روی میز پهن کردم ظرفها
را از گنجه بیرون آوردم و برای هر نفری دو
بشقاب ودوقاشق ودو چنگال ویك كارد گذاشتم
ظرف نان و تنك آب و پیاله آبخوری را هم
روی میز بجای خود گذاشتم بعد با خوشحالی
بمادرم خبر دادم که سفره حاضر است .

---

۱ - پرسش - عزیزه از مادرش چه خواست ؟ - آیا مادرش باو اجازه داد که سفره بچیند ؟ - عزیزه چطور سفره را چید ؟

۲ - این کلمات را که روی تخته سیاه نوشته شده است چند بار بنویسید
(کثیف - آسوده - طوری - ظرف نان - بشقاب - سفره حاضر است )

۳ - بازی - یکی از کودکان میز غذا را می چیند دیگران می گویند
اوچه میکند (او سفره می چیند - او بشقاب می آورد - کاردوچنگال را پهلوی بشقاب میگذارد . )

۴ - از روی این سر مشق چند بار با مداد بنویسید

مادر جان اجازه بدهید میز غذا را من بچینم



**مشاهدهٔ شکل** - در این شکل چه می بینید؟ - کار هر یك از آدمها را بگوئید

# صداهای کوچه و خیابان

صبح زود رفت و آمد در کوچه ها و خیابانها
شروع میشود مغازه ها و دکانها را بازمیکنند .
کارگران کارخانه ها و ساختمانها بسر کارخود
میروند درشگه ها و اتومبیلها از هر طرف
راه می افتند.
صدای پای اسبها و صدای بوق اتومبیلها

بگوش میرسد .

در شهرهایی که کارخانه هست صبح زود کارخانه ها سوت میزنند .

میدانید سوت کارخانها چه میگوید ، میگوید ای کارگران وقت کار است : کار کنید کار کنید .

---

۱ - **پرسش** - میدانید سوت کارخانه چه میگوید ؟ - میدانید که زنگ دبستان چه میگوید ؟ - میدانید که اتومبیل برای چه بوق میزند ؟ - میدانید که دوره گردها برای چه فریاد میزنند ؟

۲ - **گوش دادن بصداها** - صداهایی را که در کلاس میشنوید و همچنین صداهایی را که در کوچه میشنوید خوب گوش بدهید و بعد بگویید ( مثلا در کلاس من صدای جرجیر قلم را موقع نوشتن میشنوم - صدای گچ را روی تخته سیاه میشنوم - در کوچه بوق اتومبیل و فریاد دوره گرد ها را میشنوم )

۳ - **گردش در شهر** - در ضمن گردش افعال ( گردش کردن ایستادن - نگاه کردن عبور کردن را از راه عمل یاد بدهید من گردش میکنم - او میایستد - ما بمغازه ها نگاه میکنیم )

۴ - از روی سر مشق زیر با مداد چند بار بنویسید

*میدانید سوت کارخانه چه میگوید میگوید ای کارگران وقت کار است :*
*کارکنید کارکنید*

# سه دزد

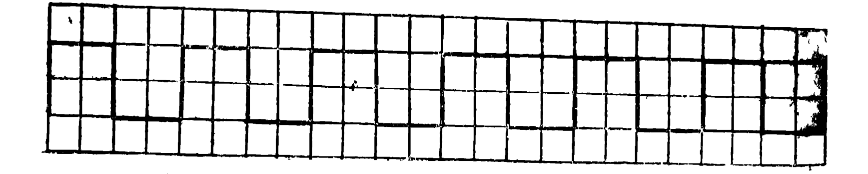
دو نفر دزد خری دزدیدند

سر تقسیم بهم جنگیدند

آن دو بودند چو گرم زد و خورد

دزد سوم خرشان را زد و برد

۱ — رسم - مانند این شکل روی کاغذ شطرنجی بکشید





# زمین و آسمان

ما در شهر خانه داریم برای کار و گردش
از خانه خود بیرون میآییم خیابانها و کوچه
ها و خانهای دیگران را می بینیم خانه ها
بهمدیگر چسبیده و کوچه ها و خیابانها بهم راه
دارد در خیابانها مردم از پیاده رو آمد و رفت
میکنند درشکه ها و اتوموبیلها در وسط خیابان
حرکت می کنند.

٭ ٭ ٭

از شهر که بیرون میرویم صحرا و سبزه و درخت و جویهای آب می بینیم دهقانها را می بینیم که در صحرا کار می کنند و گوسفندان خود را در جاهایی که سبزه و علف است میچرانند و شب بخانه های خود برمی گردند در صحرا روی تپهٔ بلندی می ایستیم و شهر را از دور تماشا می کنیم تمام این چیز ها بر روی زمین است و ما هم روی زمین زندگی می کنیم.

٭ ٭ ٭

بالای سر خود آسمان را برنگ آبی می بینیم روز ها خورشید در آسمان پیدا است و هوا روشن است گاهی که خورشید در پشت ابر پنهان میشود روشنی هوا کمتر است شب خورشید را نمی بینیم هوا تاریك است بآسمان که نگاه میکنیم ماه و ستارگان را می بینیم

# شبها گرمی هوا کمتر از روز است .
# روز همه کار میکنیم و شب میخوابیم. (۱)

---

۱ - پرسش - درشهر چه می بینید ؟ - همسایه‌های شما کیستند؟ آیا خانهٔ شما بخانه آنها چسبیده است ؟ - پیاده رو چیست ؟ - در صحرا چه می بینید؟ بعضی از چیزهائیکه دراه خود می بینید بگوئید؟ - روز درآسمان چه‌می بینید؟ شب درآسمان چه می بینید ؟- آیاشب‌همیشه‌تاریک‌است ؟ -وقتی بدبستان‌میآیید آیا در پیاده‌رو راه میروید یا از وسط خیابان میگذرید ؟ - چرا ؟

۲ -- این لغات واصطلاحات راکه روی تخته سیاه‌نوشته شده بامداد پررنگ بنویسید . پیاده رو - صحرا - سبزه - درشگه و اتومبیل - تمام این چیز ها بر روی زمین قرار دارد - گاهی - ماه و ستارگان

۳ -- از روی سرمشق زیر با مداد چندبار بنویسید .

روز کار میکنیم و شب میخوابیم

---

۱ - ؟- در کلمه میخوابیم خوانده نمیشود درتلفظ حرف خ را بحرف آ بچسبانید.

# دستهٔ پاکیزگان

زیبا پیش از رفتن بدبستان بمادرش گفت :
ایا خبر دارید کــه من از امروز از دسته پاکیزگانم ؟

مادر گفت دستهٔ پاکیزگان کدام است ؟

زیبا گفت دستهٔ پاکیزگان شاگردانی اند که همیشه لباسشان پاك و تنشان شسته و پاکیزه است و من از این دسته خیلی خوشم می آید امروز لباسهایم همه پاك است دست و رویم را هم خوب شسته ام خواهش دارم مادر جان گردن و گوشم را ببینید خوب پــاك شده است یا نه من خودم نمیتوانم ببینم مادرش بسر تاپای او نگاه کرد و گفت صورت و گردن و گردنت و دستهایت شسته و پاکیزه است لباس و جورابهایت هم پاك است زیبا گفت

مو هایم را هم باید خوب شانه کنم مادرش، گفت میخواهی با تو کمك کنم زیبا گفت نه ممنونم خودم بآینه نگاه میکنم و شانه میزنم.

## در راه دبستان

در راه دبستان زیبا و پروین بهم رسیدند پس از سلام و احوال پرسی زیبا از پروین پرسید آیا تو هم از دسته پاکیزگانی؟ پروین گفت آری لباسم را ببین اگر چه نو نیست اما خیلی پاکیزه و تمیز است جورابهایم هم پاك است و کفشهایم را واکس زده ام در این وقت پروانه بآنها رسید و چون گفتگوی آنها را شنیده بود گفت من هم از پاکیزگانم دست و صورتم را هر روز با آب و صابون میشویم وگوش و گردنم را درست پاك میکنم.

هر سه زود رو بدبستان نهادند در راه بجمشید بر خوردند و هر سه با هم گفتند این هم یکی از دستهٔ پاکیزگان است پروین گفت کفشهای براقش را ببینید زیبا گفت موهای شانه زده‌اش را تماشا کنید خود جمشید گفت ناخنهای پاك و پاکیزه‌ام را هم ببینید همه از این گفتگو بخنده آمدند و خندان و شاد بدبستان رسیدند .

---

۱ - **پرسش** - دسته پاکیزگان چگونه هستند؟ - چرا زیبا بمادرش گفت مادرجان گوش و گردنم را ببینید خوب پاك شده است یا نه ؟ - چرا زیبا نخواست که مادرش در شانه کردن مو باو کمك کند ؟ - شما دستهایتان را روزی چند مرتبه میشوئید ؟ - چرا ؟ - هفته‌یی چند بار بحمام میروید ؟ - با آب گرم شست و شوی میکنید یا با آب سرد ؟ - آیا موهایتان را هر روز شانه میکنید؟ آیا ناخنهایتان را میگیرید یا میگذارید بلند شود ؟ - چرا ؟

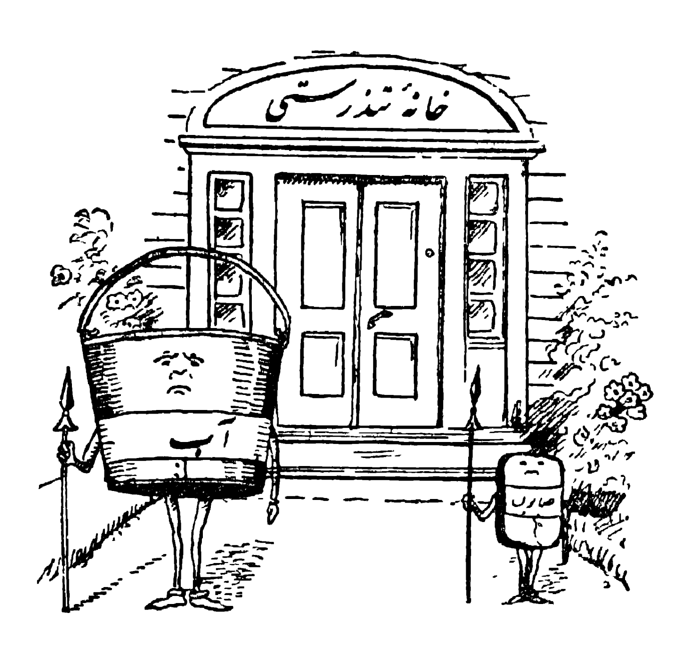
۲ — از روی این سرمشق با مداد چند بار بنویسید

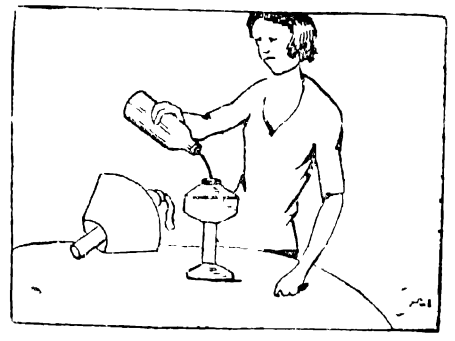
*دست و صورتم را هرروز با آب و صابون میشویم و گوش و گردنم را بدقت پاک میکنم*

## بچه هایی که ازدسته پاکیزگان هستند :

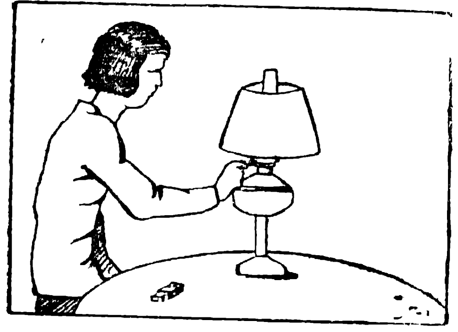
۱ ـ با آب و صابون دست و رو و بدن خود را میشویند
۲ ـ دستهایشان پاکیزه است .
۳ ـ صورتشان تمیز است .
۴ ـ گردن و گوششان پاک است.
۵ ـ موی سرشان شانه زده است .
۶ ـ جورابهایشان پاک است .
۷ ـ کفشهایشان پاک و براق است .
۸ ـ رختهایشان‌هم پاک است .

## آیا شما از دستهٔ پاکیزگان هستید ؟ ـ چرا ؟





در این شکلها چه می بینید ؟



**گفتگو در خصوص چراغ**

میدانید چراغ از چند قسمت درست شده ؟ - (پایه - انبار - فتیله - سرپیچ - لوله - حباب) فایدهٔ هر یک کدام است ؟

# چراغ

هر روز صبح مادر من چراغ را پاك میکند اول حباب و لولهٔ آنرا بلند میکند و آهسته بزمین میگذارد. بعد سرپیچ را باز میکند و انبار چراغ را پراز نفت میکند دوباره سرپیچ را روی انبار میگذارد و پیچ میدهد تا محکم بشود.

غروب وقتی که هوا تاریك شد مادر من کبریت را بقوطی کبریت میکشد و چراغ را با آن روشن میکند و بعد لوله و حباب راروی چراغ میگذارد .

مادرم گفته است جائیکه نفت یا بنزین هست چراغ روشن نکنم .

---

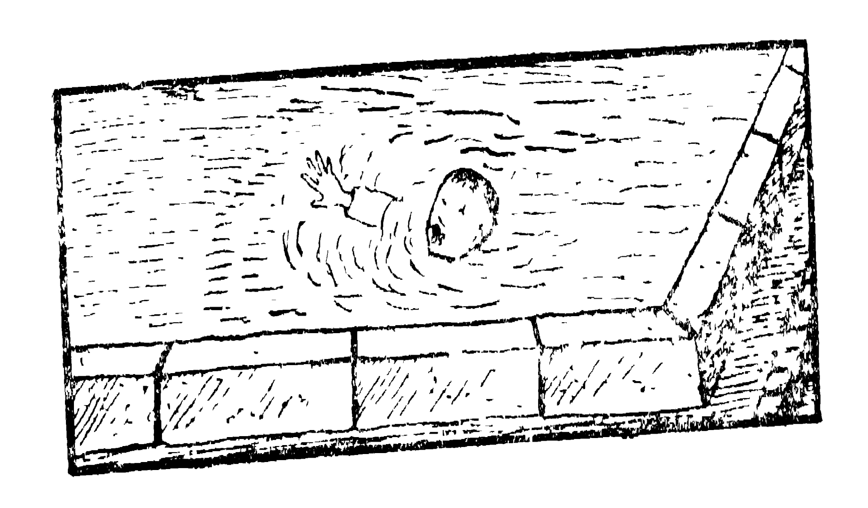
**۱ ــ تکلیف ــ** این کلمات را که روی تحته سیاه نوشته شده است چند بار بنویسید ( حباب . نفت ـ غروب ـ محکم ـ قوطی ـ کبریت ـ فتیله. )

**۲ ــ رونویسی ـ** تمام‌ویاقسمتی‌از درس رابا خط‌خوب‌ومدادپررنك بنویسید ( یادتان نرود که‌دندانه ها و نقطه های‌روی حرفها را نگذارید).

**۳ ــ بازی ــ** یکی‌از کودکان چراغ را حاضرو مرتب‌میکندسایرین حرکات و اعمال او را یك بیك میگویند ( شیدا چراغ را پاك میکند شیدا حباب و لوله بلند میکند .. )

**۴ ـ** از روی این سرمشق با مداد چند بار بنویسید :

جایی که نفت یا بنزین هست کبریت روشن نکن



# کنار حوض مرو

بعلی گفت مادرش روزی
که بترس و کنار حوض مرو
رفت و افتاد ناگهان در حوض
بچه جان حرف مادرت بشنو

# مداد

آموزگار از شاگردان پرسید آیا مداد برای
خوردن خوب است ؟ زیور خندید و گفت نه مداد
خوردنی نیست آموزگار گفت پس چرا بعضی از
شما مدادتان را بدهانتان میبرید ؟ مگر نمیدانید
که سر مداد کثیف است و چیز کثیف را بدهان نباید
برد باز پرسید بینی را با مداد میتوان پاک کرد ؟ خدیجه خندید
و گفت بینی را با دستمال پاک میکنند نه با مداد آموزگار
گفت درست است امّا بعضی از شاگردها را می بینیم
که مداد را ببینی خود فرو میبرند و ملتفت نیستند که نوک
مداد تیز است و ممکن است بینی آنها را زخم بکند
مراد پرسید گوشهارا با مداد پاک کنم ؟ آموزگار

گفت هرگز این کار را نکنید نوک مداد تیز است

و چیز نوک تیز را نباید بگوش برد مداد برای

نوشتن است نه پاک کردن و خاراندن گوش و

بینی گوش را با دستمال باید پاک کرد وقتی که

مینویسید مواظب باشید که هیچوقت مداد را باآب

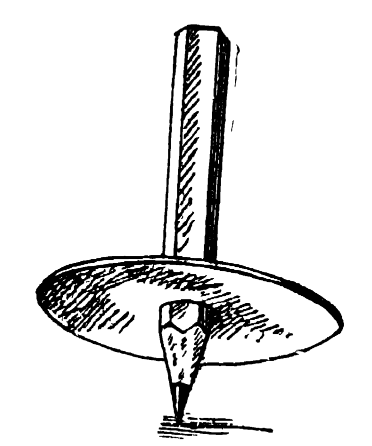
دهان تر نکنید با مدادی که مغزش نرم است

بنویسید تا نوشتهٔ شما پررنگ و خوانا باشد و لازم

نشود که مداد را بدهن بزنید .

---

۱- پرسش - مداد برای چیست ؟ - برای نوشتن چه قسم مداد باید بکار برد؟-
چرا بعضی در موقع نوشتن مداد را باآب دهان تر می کنند ؟ - آیا این کار خوبی است ؟-
بینی و گوش را چگونه و با چه چیز باید پاک کرد ؟
۲- گفتگو دربارهٔ مداد - شکل خارجی درنگ وقسمتهای مختلف مداد - طرز
تراشیدن مداد - نرمی وسختی مغز مداد - چه مدادی برای نوشتن بهتر است نرم
یا سخت ؟ چرا ؟



**گاردسنی** - ته مداد خودرا دور میندازید ؟ - وسط یك صفحهٔ گرد مقوا را سوراخ کنید و مداد خود را در آن سوراخ جای دهید تا فرفره درست شود .



**سرگرمی** - شب در مقابل چراغ با سایهٔ دست خود روی دیوار شکل پلنگ درست کنید .

# خاور و باختر

ایراندخت شب را خوب خوابید صبح
زود از خواب بلند شد هوا روشن شده بود از اطاق
خود بیرون آمد و در ایوان ایستاد خورشید
از پشت کوه آهسته بیرون می‌آمد و هوا کم کم
روشن تر میشد ایراندخت درست در برابر
خورشید ایستاد روشنی خورشید بپنجرهٔ اطاق
او تابیده بود ایراندخت روشنایی را بسیار
دوست میداشت و چون روز تعطیل بود در
ایوان نشست و بتماشای خورشید مشغول شد
خورشید کم کم بالا آمد و روشنی و گرما
بیشتر شد ایراندخت باطاق خود رفت در
موقع ظهر هوا خیلی گرم بود ایراندخت
پنجره را بست و پرده را انداخت ظهر که
گذشت دو باره بایوان آمد دیگر خورشید را
نمیدید بطرف پنجرهٔ دیگر اطاق رفت و آنرا

باز کرد خورشید را دید که کم کم پائین
میرود پس از مدتی خورشید از نظر او پنهان
شد و هوا رو بتاریکی گذاشت .

☼ ☼ ☼

فردای آنروز آموزگار از ایراندخت
پرسید : شما شب کجا میخوابید ، گفت در اطاق
خود میخوابم پرسید اطاق خواب شما رو
بکدام سمت است ، گفت نمیدانم اما صبح زود
که خورشید سر میزند روشنائیش در اطاق من
می تابد و من خورشید را که از پشت کوه بیرون
می آید می بینم آموزگار گفت اطاق شما
رو بخاور است خاور یا مشرق طرفی است
که خورشید صبح از آنجا سر میزند خورشید
بعد از سرزدن رو بالا می رود تا ظهر که خوب
بلند میشود بعد از ظهر رو بپائین می رود و
کم کم پائین تر میرود تا اینکه پنهان می شود

و ما دیگر آنرا نمی بینیم جایی را که خورشید عصر در آنجا پنهان میشود باختر یا مغرب می گویند .

---

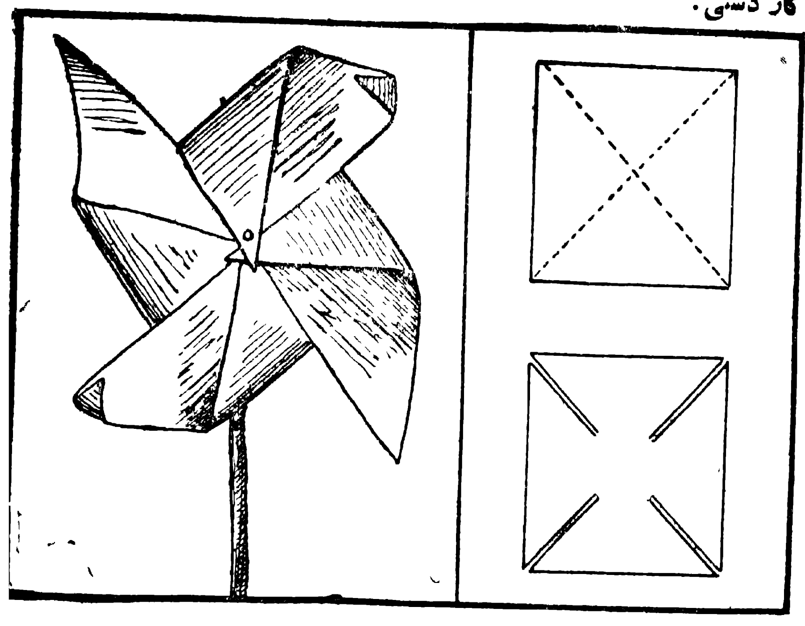
**۱ - پرسش -** چرا صبحها هوا روشن میشود ؟ - شبها چرا هوا تاریك است ؟ - شبها در آسمان چه می بینید ؟ - چرا روز از شبها روشن تراست ؟ - خاور کجا است ؟ - خاور کلاس را نشان دهید - باختر کلاس را نشان دهید - خاور میز و نیمکت کلاس خود را نشان دهید - باختر میز و نیمکت خودرا نشان دهید - خاور و باختر میز و صندلی آموزگار را نشان دهید - چه وقت از روز خورشید خیلی بلند است ؟ - صبح که بدبستان میآیید خورشید را در کدام طرف خود می بینید ؟ - طرف خاور و باختر دبستان را معین کنید ؟ - کدام اطاق دبستان در طرف خاور است ؟ - کدام اطاق آن درطرف باختر است ؟

**۲ -** از روی این سر مشق پنج بار با مداد و خط خوب بنویسید :

*خاور یا مشرق طرفی است که خورشید صبح از آن سر میزند*

---

کار دستی:



### فرفره چهار پره

۱ - کاغذ چهارگوشه ای را مطابق نقطه چین تا کنید (شکل بالا دست راست)
۲ - مطابق شکل دوم از گوشه ها تا نزدیک وسط با قیچی ببرید (شکل پائین دست راست)
۳ - گوشه ها را یک در میان با سنجاق بچوب وصل کنید (شکل دست چپ)

## چوپان دروغگو

چوپانی دروغگو گاهگاه بیخود فریاد میکرد:

گرگ آمد گرگ آمد.

مردم هم برای نجات او و گوسفندان بسوی

او می دویدند ولی میدیدند که گرگی در کار نیست

و چوپان آنها را مسخره کرده است.
اتفاقاً روزی گرگ بگله زد چوپان فریاد
کشید: گرگ، گرگ! مردم هم گمان کردند باز
دروغ میگوید هیچ کس بکمک او نرفت چوپان
تنها ماند و گرگ گوسفندان او را پاره کرد.

۱- سؤآل - چوپان چه فریاد میزد؟ - مردم از شنیدن فریادهای او چه می‌کردند؟ - آیا چیزی میدیدند؟ - روزی که گرگ بگله زد مردم چه کردند؟ - نتیجه دروغگوئی چوپان چه بود؟

۲- بازگوئی حکایت - در مقابل کلاس راست بایستید و بلند و شمرده حکایت را بگوئید.

۳- این لغات و اصطلاحاتیکه روی تخته سیاه بخط نستعلیق نوشته شده چند بار بنویسید: دروغگو - گاه‌بگاه - نجات - بسوی او - گرگی در کار نیست - مسخره - اتفاقاً - گرگ بگله زد - کمک - هیچ کس بکمک او نرفت.

۴- رونویسی - تمام حکایت را با خط خوب و مداد یا رنگ بخط نستعلیق چنانکه آموزگار بر تخته سیاه نوشته است بنویسید (از یادتان نرود که نقطه های حرفها و دندانه ها و سرکشهای کاف و گاف را بگذارید.)

۵- از روی سرمشق چند بار بنویسید

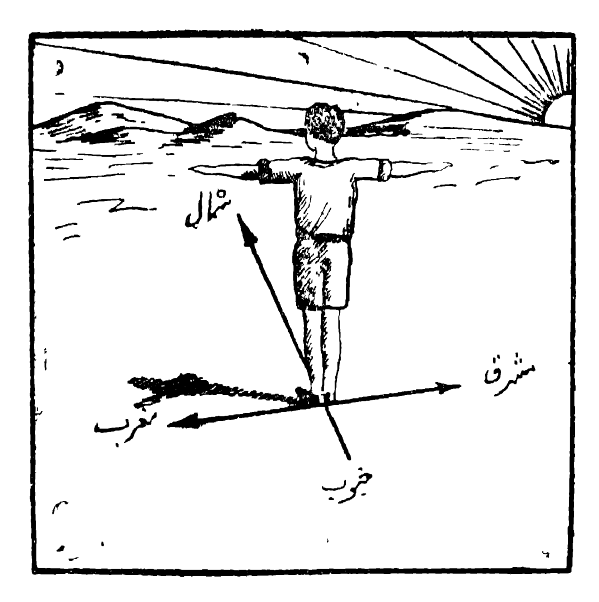
چوپان دروغگو تنها ماند و گرگ گوسفندان او را درید

# شمال و جنوب

ایراندخت خیلی خوشحال بود که خاور و
باختر را شناخته است و همیشه میگفت اطاق من
رو بخاور است یك روز آموزگار در کلاس
درس از او پرسید خاور کجا است ؟ گفت
خاور طرفی است که خورشید از آنجا بیرون
می آید آموزگار رو باحمد کرد و گفت بچهٔ
عزیزم تو میدانی باختر کجا است ، احمد با
خوشحالی جواب داد آری باختر طرفی است که
خورشید آنجا پنهان میشود .

آموزگار پنجره های کلاس را باز کرد
صبح بود و خورشید از پنجره بدرون کلاس
می تابید آموزگار در کلاس طوری ایستاد
که دست راستش بطرف خورشید بود گفت
فرزندان عزیز می بینید که دست راست من بطرف
خاور و دست چپ من بطرف باختر است

اکنون روی من بطرف شمال و پشت من،




بطرف جنوب است شما هم هر جا بخواهید
شمال و جنوب را بدانید مثل من طوری بایستید
که دست راستان بجانب خاور و دست چپتان
بجانب باختر باشد آنوقت رو بروی شما
شمال و پشت سر شما جنوب می شود.

خاور و باختر و شمال و جنوب را چهار
جهت اصلی می گویند.

**پرسش ۱** ـ خاور کجا است ؟ ـ باختر کجا است؟ ـ جنوب کجااست ـ **شمال** کجا است؟ برای پیدا کردن چهار جهت اصلی چه میکنید ـ ایرانید حت **بگوئید** اطاق خواب شما در کدام جهت منزلتان است ؟ ـ جهت اطاق درس ما **رو** بکدام جهت است ؟ ـ چرا ؟ ـ خورشید هنگام ظهر کجا است ؟

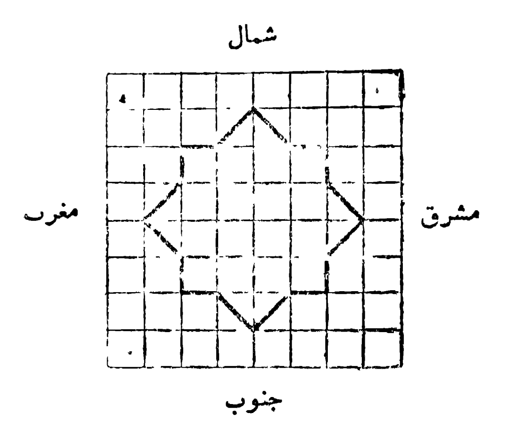
**۲** ـ این لغات و اصطلاحات تازه را که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار **با خط** خوب بنویسید

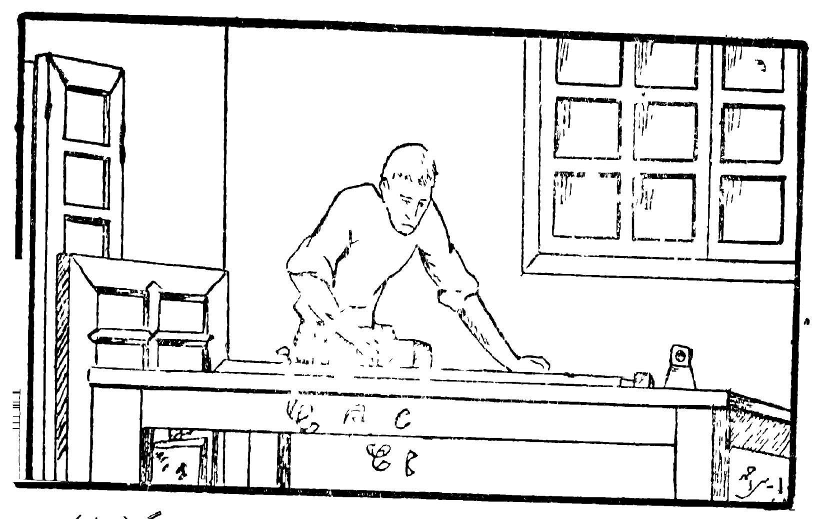
خیلی خوشحال بود ـ هنگام صبح ـ آموزگار روی باحمد کرد ـ مثل من **طوری** بایستید ـ چهار جهت اصلی ـ خاور ـ باختر ـ شمال ـ جنوب .

**۳** ـ از روی این سر مشق چند بار بنویسید

*خاور و باختر و شمال وجنوب را چهار جهت اصلی میخوانند*

رسم ـ از روی این شکل در کاغذ شطرنجی بکشید .





۱ ـ **مشاهدهٔ شکل** ـ در این شکل چه میبینید ؟ ـ درودگر (نجار) چه میکند ؟

۲ ـ **گفتگو** ـ در خصوص اره و رنده ( شکل ـ براقی ـ دندانه ها ـ تیزی ـ . )

# درودگری (نجاری)

استاد احمد نجار از صبح تا شب کار میکند در موقع کار سرش را برهنه میکند و آستین پیراهنش را بالا میزند .

اول چوب را با اره میبرد بعد با رنده آنرا میتراشد تا صاف یا نازک تر بشود از جلو رنده خورده های چوب بیرون میریزد .

خورده های چوب مانند نوار خرمایی رنك یا حلقه های موی دختر های کوچك بنظر میآید استاد احمد نجار تکه های چوب را با سریشم بهم میچسباند و از آنها میز و نیمکت میسازد.
استاد احمد در محلهٔ ما بخوشکاری معروف است همه در و پنجره و میز باو میدهند که درست بکند.

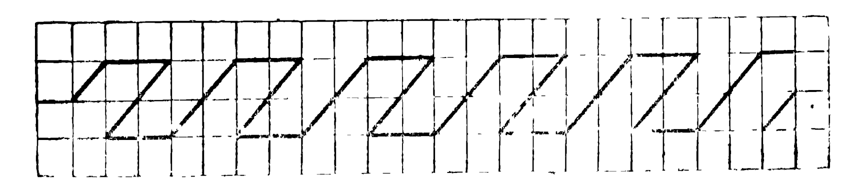
۲ ــ تمرین ـ این کلمات را که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید (آستین ـ صاف ـ حلقه ـ سریشم ـ محله ـ نوار خرمایی رنگ ـ حلقه های مو ـ خوشکاری ــ معروف .)

۳ ـ رونویسی ــ تمام و یا قسمتی از درس را رونویسی کنید (نقطه های کلمات را فراموش نکنید .)

۳ ـ بازی ــ هر یك از بچه ها کارهای نجار را تقلید کند و بگوید چه میکند مثلا (من تخته را رنده میکنم ـ من اره میکشم ـ من میخ را میکنم .)

۴ ـ. چند چیز نوك تیز را اسم ببرید (مانند سوزن) ـ چند چیز براق را بنامید مثل تیغهٔ اره) ـ چند چیز برنده را نام ببرید (مثل چاقو)

رسم ــ از روی این شکل در کاغذ شطرنجی بکشید

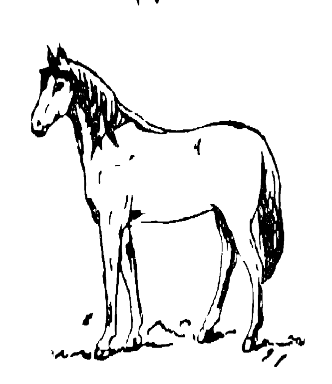


# جانوران

این سگ که بود رفیق چوپان	همراه شود بگو سفندان
گرگی اگر از کمین درآید	تا از گله طعمه ای رباید
عوعو کند و شبان بخواند	تا از گله گرگ را براند

با یاری گاو برزگرها	گاوند و کنند دشت و درها
از گاو چو زاد شیر گیرند	وز آن کره و پنیر گیرند
گاو است اگرچه رام و هموار	شاخت زند ار کنیش آزار

خر با زوری بود بی آزار	آماده برای بردن بار
چون نرم بود به راهواری	گویند بود خر سواری
نام دگرش دراز گوش است	گویند که بی شعور و هوش است



اسب است که مرکب سوار است حیوان نجیب هوشیار است
یابو بود اسب آب بشکه وآن اسب که می کشد درشکه

---

۵ تمرین — از روی این سرمشق با مداد چند بار بنویسید :

از گاو چو زاد شیر گیرند وز آن کره و پنیر گیرند

# تقسیم یك گردو

پرویز و بهروز با هم از دبستان بخانه می رفتند گردویی در راه افتاده بود پرویز آنرا دید و ببهروز نشان داد بهروز پیشدستی کرد و آنرا برداشت پرویز گفت گردو را من دیده ام و مال من است بهروز گفت من برداشته ام و مال من است راهگذری که گفتگویشان را گوش میداد پیش آمد و گفت گردو را بمن بدهید تا بگویم مال کیست،

بهروز گردو را باو داد و آنرا دو نیم کرد و مغزش را بیرون آورد پس یك نیمه از پوست خالی را بپرویز داد و گفت این حق شما که گردو را دیده اید و نیمهٔ دیگر را ببهروز داد و گفت این هم مال شما که آنرا برداشته اید مغز را هم خود در دهان گذاشت و گفت این هم دست مزد من که آنرا شکسته ام.

۱ - **پرسش** - پرویز و بهروز کجا میرفتند ؟ - در راه چه یافتند ؟ - گفتگویشان سرچه بود و بهم چه میگفتند؟ - راهگذر چه گفت ؟ پس از آن چه کرد ؟ - آیا کار راهگذر خوب بود؟ - چرا؟ - اگر پرویز و بهروز باهم رفیق‌وار گردو را تقسیم میکردند بهتر بود ؟

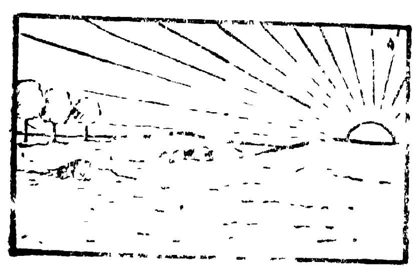
۲ - **بازگویی حکایت** - حکایت را بزبان خودتان بگویید ( درجلو کلاس راست بایستید و شمرده و بلند حرف بزنید . )

۳ - این کلمه ها و جمله هایی که روی تخته سیاه نوشته شده با مداد پر رنگ چند بار بنویسید

پرویز و بهروز- پیشدستی کرد- گردو مال من است- راهگذر - گفتگو اینهم دست مزد من است

از روی سر مشق زیر با خط خوب بنویسید

راهگذر مغز را هم خود در دهان گذاشت و گفت این هم دستمزد من که آنرا شکسته ام.





# شب و روز

آفتاب که غروب کرد شب می‌شود در
شب چراغها را روشن می کنند ستارگان و
ماه درآسمان پیدا میشوند شب وقت راحت
و خواب است بیشتر مردم چند ساعت از شب
گذشته می خوابند صبح خورشید از جایی که
نامش خاور یا مشرق است بیرون می آید و
کم کم رو ببالا میرود و هرچه بلند میشود هوا
روشن تر و گرمتر می شود ظهر که خورشید
خیلی بلند میشود گرمی و روشنی بیشتراست
از ظهر ببعد خورشید کم کم رو بپایین میرود و
وقت غروب دیگر دیده نمی شود و شب دوباره

می آید همیشه شب در پی روز و روز در پی شب است.

یك شب و روز را شبانه روز می گوییم هرشبانه روزی بیست و چهار ساعت است.

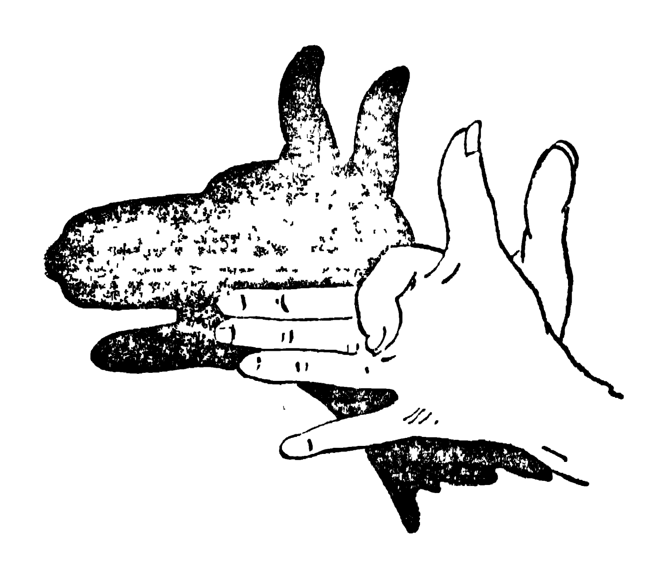
ما هرروز صبح زود ازخواب بر می خیزیم اول کمی ورزش میکنیم وبعد صبحانه میخوریم پس از آن بدبستان میرویم در دبستان چهار زنگ درس می خوانیم و هنگام ظهر بخانه بر می گردیم پس از دو ساعت دو باره بدبستان میرویم و دو ساعت دیگر درس میخوانیم پس ما هرروز شش ساعت در دبستان هستیم چهار ساعت پیش از ظهر و دو ساعت بعد از ظهر روز در روشنایی خورشید و شب در روشنایی چراغ کار میکنیم هنگام خواب چراغ را خاموش میکنیم.

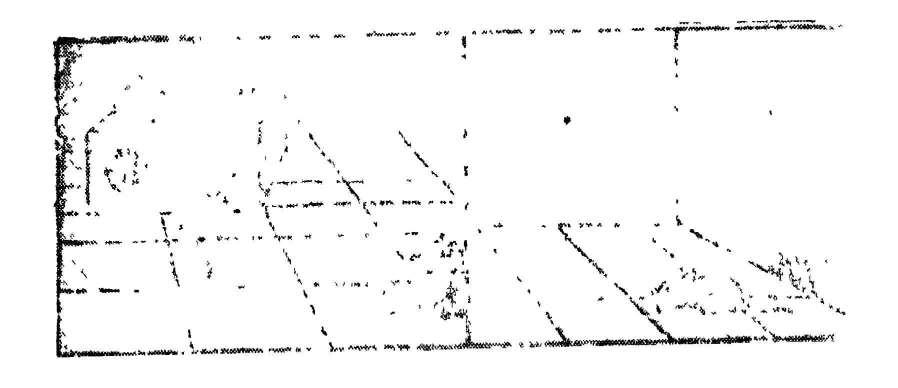
۱ - **پرسش** — چه وقت هوا تاریك می‌شود؟ - چه وقت رور گرمی وروشنی حیلی زیاد میشود؟ - میان شب وروز چه مرق است؟ - شبانه روز چند ساعت است؟ - چند روز یك هفته میشود؟ - در دبستان روزی چند

ساعت درس میخوانید ؟ - چندزنك پیش از ظهر و چند زنك بعد ازظهر ؟

**۲ - رونویسی لغات و اصطلاحات** - این لغات و اصطلاحات را که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید : صبح - ظهر - غروب - ستاره ستارگان - نقطه - شب در پی روز - شبانه روز - آنگاه .

**۳ - سرگرمی** - شب با سایهٔ دست خود شکل گرگ را روی دیوار درست کنید





# موش و تله

موشی از سوراخ بیرون آمد و پی خوردنی میگشت چشمش بتله‌یی افتاد که چند مغز بادام در آن گذاشته بودند با خود گفت مردم چه قدر نادانند هنوز برای گرفتن ما موشها تله میگذارند دیگر نمیدانند ما موشها زرنگ شده‌ایم و دیگر گرفتار تله نمیشویم اما از این مغزهای بو دادهٔ خوشمزه هم نمیتوان گذشت باید طوری آنها را بچنگ آورد که تله نفهمد پس آهسته آهسته پیش رفت و پوزهٔ خودرا نزدیک

# یکی از مغزها برد و بیچاره با همه زرنگی که داشت فورا بتله افتاد .

**۱ ــ پرسش** ــ تله موش دیده اید ؟ ــ تله را از چه درست میکنند ؟ ــ موش غیر از بادام چیزهای دیگر هم می‌خورد ؟ ــ چه چیز ها ؟ ــ موش حکایت بالا زرنگ بود یا نه ؟ ــ چرا ؟ ــ چرا برای موش تله می گذارند .

**۲ ــ بازگوئی حکایت** : حکایت بالا را بگوئید ( موقع گفتن حکایت راست و طبیعی بایستید و دستهایتان رادر کنار خود نگدارید بلند و شمرده حرف بزنید. )

**۳ ــ املا** ــ املای این لغت ها را خوب یاد بگیرید .

تله ــ چه قدر ــ خوشمزه ــ آهسته ــ پوره ــ طوری .

**۴ ــ** حکایت بالا را دیکته کنید

**۵ ــ** تکلیف ــ از روی این سر مشق چند بار بنویسید .

*موش گاهی بتله میافتد و یا گرفتار پنجهٔ گربه میشود*

**نقاشی ــ** از روی این شکل بکشید .



# خر در پوست شیر

خری در بیشه‌ای میچرید گذارش بر پوست شیری
افتاد پوست را پوشید و خیال کرد که شیر شده است
وازآنجا رفت بده اهل ده از ترس او پا بفرار گذاشتند
خر که گریختن مردم را دید از شیر شدن خود خاطر جمع شد
در دل خود گفت خوب از بارکشیدن و سواری دادن خلاص
شدم و بعد ازاین آسوده زندگی می کنم حالا خوب است
نعره‌ای هم بکشم که بیشتر بترسند و دیگر جرأت نکنند
نزدیک من بیایند عرعر خود را سرداد و خیال
میکرد که نعره شیر کشیده اهل ده که عرعر او را شنیدند دانستند که
خر است نه شیر دور او ریختند و اورا گرفتند پوست شیر را
از تنش بیرون کشیدند و گاله بارکشی را بدوشش گذاشتند.

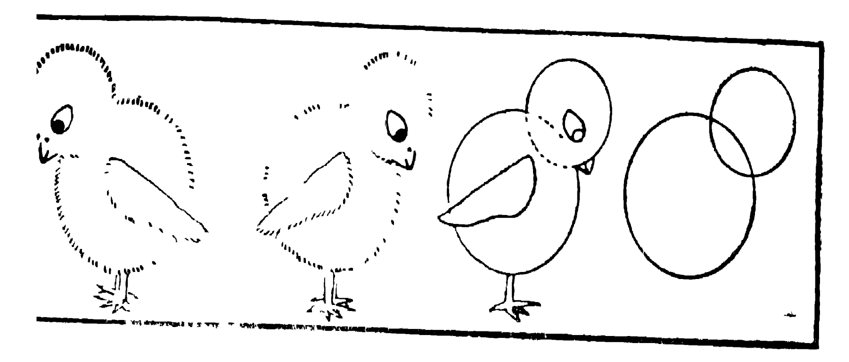
**۱ ـ پرسش ـ** گاله چیست ؟ ـ گاله را کجا دیده اید ـ غیر از خر دیگر با چه چیز بار کشی میکنند ؟

**۲ ـ باز گویی حکایت ـ** حکایت بالا را باز بگویید ( موقع گفتن حکایت جلو کلاس راست بایستید با تماشاگردان شما را ببینید ـ طبیعی وراست بایستید و بلند و شمرده حرف بزنید )

**۳ ـ** عبارت های زیر را در کلاس با خط خوب و بامداد پر رنگ رونویسی کنید و ملتفت باشید که نقطه ها و سر کشهای کاف و گاف را فراموش نکنید

گذارش بر پوست شیری افتاد ـ خاطر جمع شد ـ از سواری دادن رهایی یافتم ـ حالا خوب است نعره یی هم بکشم ـ عرعرخود راسرداد

**نقاشی ـ** از روی این شکل ها بکشید (ازطرف راست شروع کنید)



# چهار فصل

هوشنگ می‌دانست که در تابستان دبستانها تعطیل می شود از آموزگار پرسید .

تابستان چند ماه است ؟

آموزگار گفت .

تابستان سه ماه است .

عفت پرسید .

فصل های دیگر چطور ؟

آموزگار گفت .

فصلهای دیگر هم هر کدام سه ماه است در فصل بهار زمین سبز وخرم میشود درختها از سر نو برگ و گل میکنند اول سال ما ایرانیها روز اول این فصل است و ما آنروز را نوروز می گوییم .

بعد از بهار تابستان می آید در تابستان هوا خیلی گرم می شود در این فصل بعضی

میوه ها میرسد و دهقانها گندم و جو را درو میکنند.

تابستان که تمام شد پاییز شروع میشود پاییز فصل پر نعمت و برکت است در اواخر این فصل برگ درختان زرد میشود و باد آنها را میریزاند.

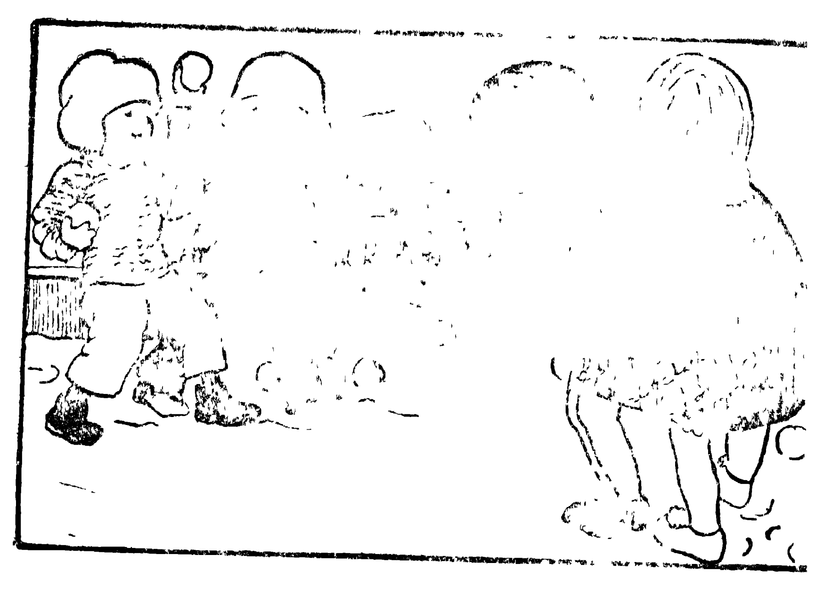
بعد از پاییز زمستان می آید زمستان فصل سرما و برف و یخ بندان است.

---

۱ — پرسش — سال چند فصل است؟ — فصلی چند ماه است؟ — چند فصل یك سال است؟ — الان در چه فصلی هستیم؟ — حالا چه ماهی است؟ — چند روز یکماه میشود؟ — امروز چه روزی است؟ — هوا در کدام فصل گرم است؟ — هوا در کدام فصل سرد است؟ — در کدام فصل میوه ها رسیده است؟ — اول سال ما ایرانیها کدام روز است؟ —

۲ — این لغات و اصطلاحات تازه را چند بار با خط خوب و مداد پر رنگ بنویسید: تعطیل - فصل - درختهای سبز و برگ و گل میکنند - نوروز — نعمت و برکت — باد برگها را میریزاند - یخ بندان

۳ — رونویسی — درس بالا را با مداد پررنگ و خط خوب در دفترچه خود بنویسید.



# برف بازی

دیشب برف بسیار باریده بود صبح زود
هوشنگ و مسعود و پروانه و سیمین که همسایه
و همبازی بودند بمیدان بازی که نزدیک خانه‌شان
بود رفتند همه رخت پشمی پوشیده بودند و
دستکش هم داشتند.

هوا سرد بود و بچه‌ها وقتی نفس
می کشیدند بخار دهانشان مثل ابر دیده می شد
همه میدان را برف گرفته بود و بهر جا که

چشم می انداختند از کوه و بیابان و درختها و بامها همه پر از برف بود.

هوشنگ که از همه بزرگتر بود یک گلوله برفی درست کرد و همبازی های او هم از برف گلوله های دیگری درست کردند. آن وقت هریک بطرفی دویدند و گلوله های برف را بیکدیگر پرتاب کردند بعد دست هم را گرفتند و روی برفها سر خوردند سیمین که پنج سال داشت و از همه کوچکتر بود آهسته آهسته میرفت و میترسید پایش بلغزد و زمین بخورد اما مسعود که برادرش بود دستش را گرفت و نمی گذاشت زمین بخورد و همه نزدیک ظهر خنده کنان بخانه برگشتند.

---

۱ — **پرسش** — چه وقت برف باریده بود ؟ - بچه ها چه کردند ؟ - چرا جامهٔ پشمی پوشیده بودند ؟ - برف را بیشتر دوست دارید یا باران را ؟ - چرا ؟ - وقتی که برف آمده باشد چه بازیهایی میکنید ؟

۳ ــ لغت ها و اصطلاحاتی را که روی تخته سیاه نوشته شده است چند بار بنویسید

دیشب برف بسیار باریده بود ـ همسایه و همبازی ـ تمام میدان را برف گرفته بود - خنده کنان ـ میترسید پایش بلغزد ـ

۴ ــ **رونویسی** ـ تمام و یا قسمتی از درس را پاکیزه در دفترچه خود نامداد بنویسید .

سروش

# برف آمد و برف آمد

برف آمد و برف آمد و برف آمد
در دشت و در چمن یکسر چادر زد
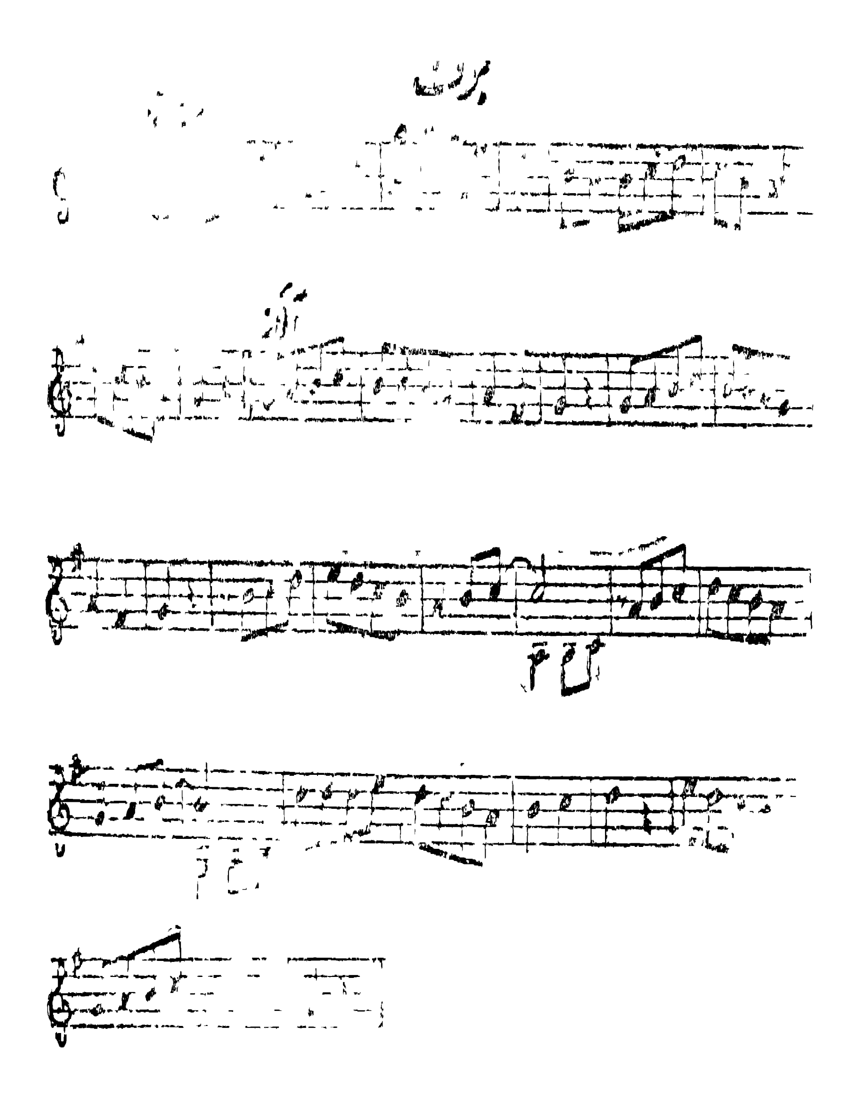
صحرا بر تن پوشید پیرهن
دیگر گلی نبینی در چمن
پوشش گندم برف زمستانیست
گر نیاید گندم در تابستان نیست.

✡ ✡ ✡

برف آمد و اکنون هنگام بازی است
این ورزشها مایهٔ سر افرازی است
ای برف زیبا ای برف سفید
زیبا تر از تو چشم ما ندید
برف آمد و برف آمد و سرما شد
اکنون هنگام بازیهای ما شد.

(گل گلاب)

# برف آمد برف آمد



# خانه

خانه جای راحت و آسایش است وقتی
که کار های روزانهٔ ما تمام می شود بخانه
میرویم در زمستان که هوا سرد است در
و پنجره های اطاق را می بندیم و اطاق را گرم
میکنیم در تابستان که هوا گرم است روز ها
در زیر زمین بسر می بریم و شبها در حیاط
یا پشت بام میخوابیم .

خانهٔ ما ده اطاق و چهار زیر زمین و
یك آشپز خانه دارد پنجره های اطاق من و
خواهرم رو بجنوب باز میشود در زمستان
خورشید بآنجا می تابد و هوای آنرا گرم
میکند اطاق ما در طبقهٔ دوم است و زیرش
یك زیر زمین است عصر ها که از دبستان
بخانه میرویم من گلهای باغچه را آب میدهم
خواهرم حیاط را آب پاشی میکند ما برای

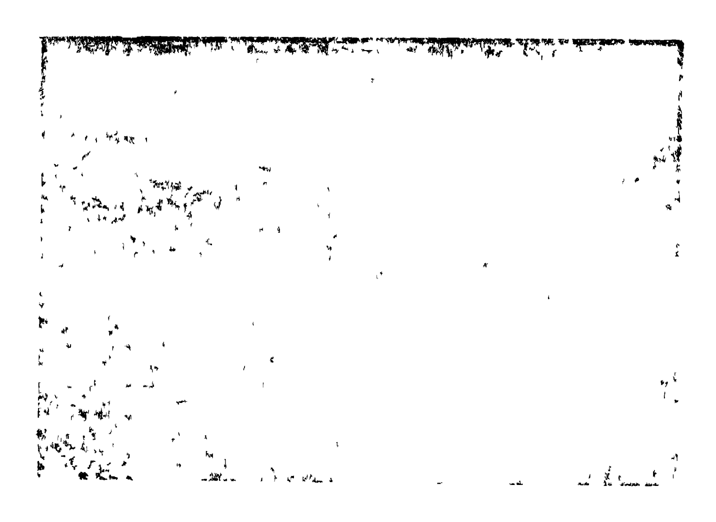
آب دادن گلها و آب پاشی از حوض آب بر میداریم شب در خانهٔ ما چراغ برق می سوزد در بعضی از خانه ها چراغ نفتی می سوزانند .

مادرم از من و خواهرم راضی است زیرا همیشه اطاقمان را پاکیزه نگاه میداریم من هر روز با دستمال میز و صندلی اطاق را پاك میکنم و خواهرم فرشها را جاروب میکشد .

۱ ــ **پرسش** ــ چرا در زمستان در و پنجره های اطاق را می بندیم – خانهٔ شما چند طبقه دارد ؟ - چند اطاق در حیاط شما هست ؟ - هر اطاقی رو بچه سمت است ؟ - باغچه ها را چه طور آب میدهید ؟ - در خانه بمادرتان چه کمك هایی میدهید ؟ -

۲ ــ این لغات و اصطلاحات را که روی تخته سیاه نوشته چند بار بنویسید راحت ــ آسایش ــ کار روزانه ــ پایان می یابد ــ بسر میبریم اطاق رو بجنوب باز میشود ــ باغچه ــ حیاط ــ حوض ــ راضی .

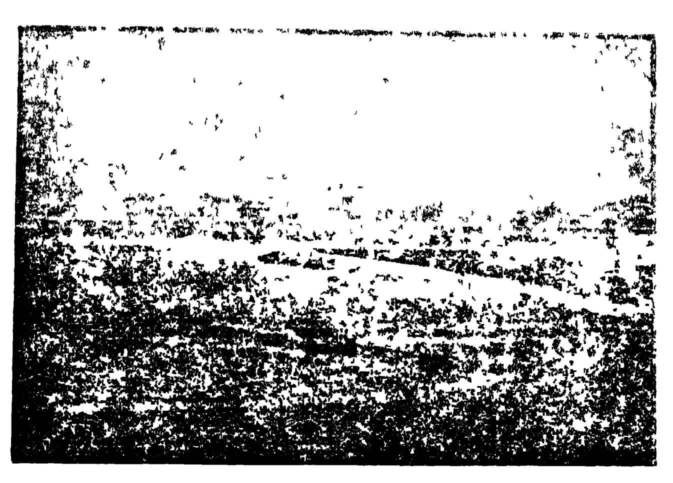
۳ ــ **رونویسی** ــ درس بالا را با مداد پررنگ وخط خوب در دفترچه خود رونویسی کنید .



## دهکده

یک روز بعد از ظهر نوآموزان سال
دوم دبستان با آموزگار خود بگردش رفتند
از چندین کوچه و خیابان گذشتند تا از شهر بیرون
رفتند قدری که راه رفتند از دور طرف شمال
در میان صحرا یک آبادی دیدند بطرف آن
آبادی رفتند و همین که نزدیک آن رسیدند
دیدند دهکده کوچکی است که پنجاه خانوار
در آن زندگی می کنند خانه‌های آنها از سنگ
و گل و چوب ساخته شده بود .

در کنار دهکده چشمهٔ آبی بود و زنهای دهکده از آن چشمه باکوزه آب بر میداشتند
در وسط دهکده میدان بزرگی بود که دهقانان هنگام بیکاری در آنجا جمع میشدند در یک طرف میدان دو سه دکان و در طرف دیگرش مسجد کوچکی بود چون غروب آفتاب نزدیک بود گله های گوسفند و گاو و الاغ از چرا بر می گشتند دهقانها هم که برای درو کردن بصحرا رفته بودند یکی یکی و دوتا دوتا بطرف خانه های خود می آمدند.



آموزگار و شاگردان هم بشهر برگشتند. در راه آموزگار بشاگردان گفت زندگی دهقانها ساده و بی سر و صدا است موقع کار و زراعت از صبح تا غروب کار میکنند غروب که شد برای راحت کردن بخانه های خود برمیگردند بخانه که رسیدند شام میخورند و می خوابند و صبح زود بیدار میشوند و همین که صبحانه خوردند سر کار میروند.

پرسش ۱ ــ دهکده در کدام طرف شهر بود ؟ - خانوار یعنی چه؟ - خانه های دهکده از چه چیز ساخته شده بود ؟ ــ زنان دهکده از کجا آب بر میداشتند ؟ ــ دهقانان گله های خود را کجا میچرانیدند ؟ ــ زندگی دهقانها چگونه است ؟ ـ

۲ ــ این لغات و اصطلاحات تازه که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید.

آبادی ــ خانوار ــ غروب آفتاب ــ ساده ــ بی سر صدا ــ استراحت ــ صبحانه ــ دهقان ــ دهقانان

۳ ــ رونویسی ــ قسمتی از درس را با خط خوب و مداد پر رنگ در دفترچه خود بنویسید.



## مهر مادر (۱)

گویند مرا چو زاد مادر     پستان بدهن گرفتن آموخت

شبها بر گاهوارهٔ من     بیدار نشست و خفتن آموخت

دستم بگرفت و پا بپا برد     تا شیوهٔ راه رفتن آموخت

یک حرف و دو حرف بر زبانم     الفاظ نهاد و گفتن آموخت

---

(۱) [illegible] این اشعار را حفظ کنند و در موقع خواندن ، پا بپا بردن و گاهواره [illegible] این افعال را با حرکت دست و سر و غیره مجسم سازند .

لبخند نهاد بر لب من
بر غنچهٔ گل شکفتن آموخت
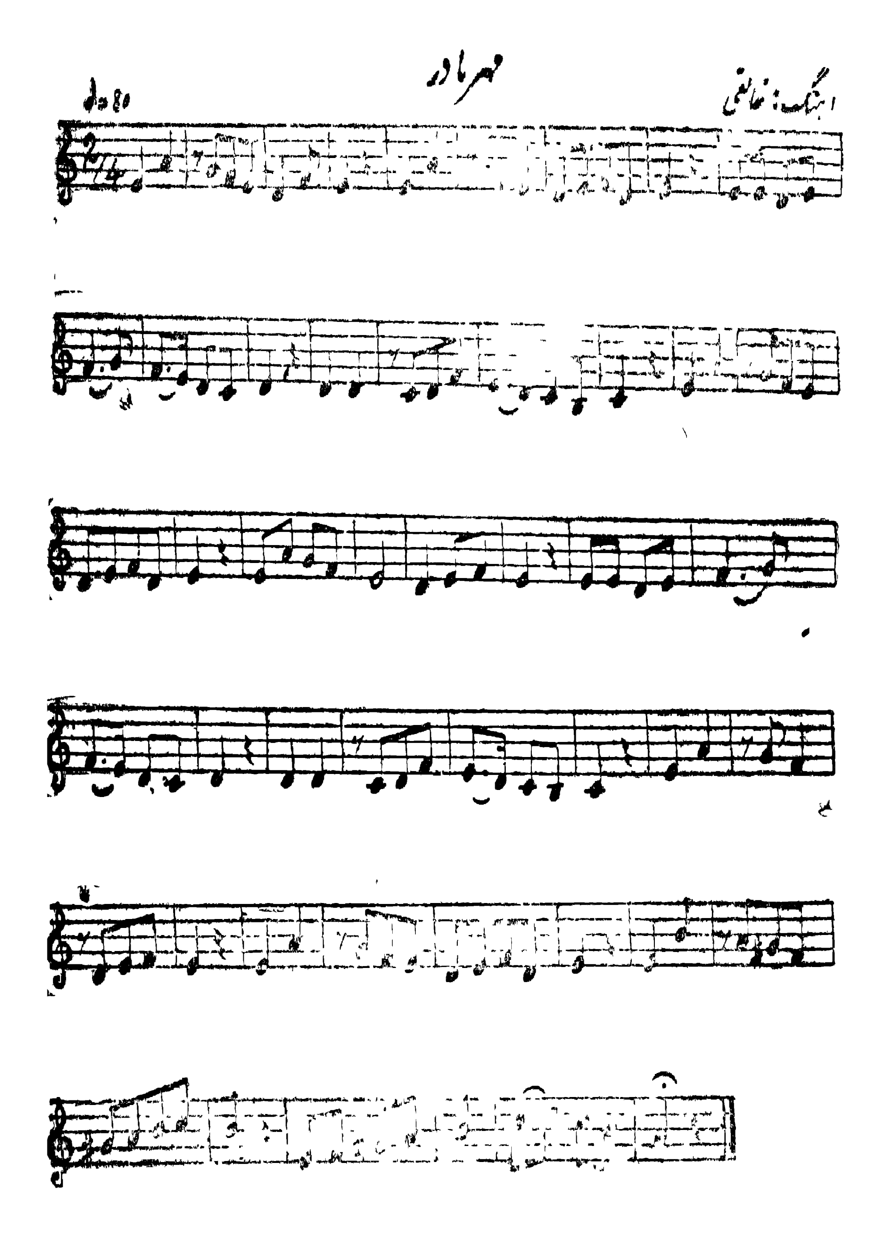


پس هستی من ز هستی اوست
تا هستم و هست دارمش دوست
(ایرج)

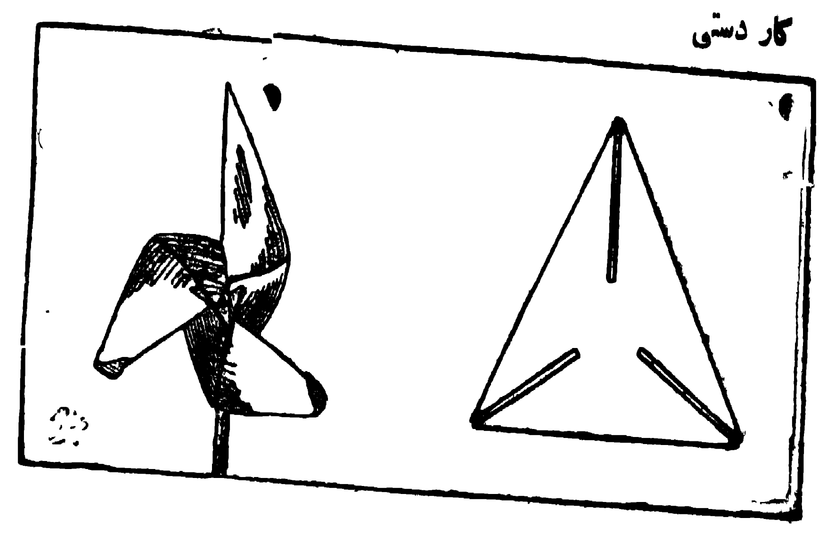
**۱ ــ پرسش ــ** مادر چرا پستان بدهن بچه میگذارد ؟
مادر چرا شبها پهلوی گاهوارهٔ بچه‌اش بیدار می نشیند ؟
مادر چرا دست بچه را میگیرد و او را پابپا میبرد ؟
مادر برای اینکه بچه حرف زدن یاد بدهد چه میکند ؟
حالا بگویید چرا مادرتان را دوست دارید ؟ ــ

**۲ ــ تکلیف :** از روی این سر مشق چند بار بنویسید :

پس هستی من ز هستی او است
تا هستم و هست دارمش دوست


مهر مادر
آهنگساز: خالقی
♩=٤٥

**کار دستی**



۱ ـــ یك سه گوشه از کاغذ ببرید .
۲ ـــ از گوشه ها باقیچی تا نزدیك وسط ببرید .
۳ ـــ سه گوشه ها را یکی در میان با سنجاق بچوبی وصل کنید .

# عید نوروز

جمشید یکی از پادشاهان قدیم داستانهای ایران بوده است .

گویند پارچه بافتن و لباس دوختن و گندم و جوکاشتن و خانه ساختن از سنگ و گچ و گل را جمشید بمردم یاد داده است

روزی که جمشید بر تخت پادشاهی نشست مردم همه خوشحالی کردند و آن روز را نوروز یعنی روز نو اسم گذاشتند و ایرانیان تا کنون این روز را عید میگیرند نوروز برای همه ایرانیان و بخصوص برای کودکان بهترین روز سال است در این روز همه لباس نو می پوشند بدیدن هم میروند شادی می کنند و بزرگتران بکودکان عیدی میدهند یا برای آنان اسباب بازی میخرند .

**۱ ـ پرسش** ـ جمشید که بود ؟ ـ جمشید بمردم چه آموخت ؟ روزی که جمشید بتخت پادشاهی نشست مردم چه کردند؟ ـ نوروز یعنی چه ؟ عید نوروز چه وقت است ؟

**۲ ـ** این لغات و اصطلاحات تازه را که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید :

پارچه بافتن ـ لباس دوختن ـ خانه ساختن ـ تخت پادشاهی ـ عید نوروز

**۳ ـ رونویسی ـ** حکایت را با خط خوب و خوانا و با مداد پر رنگ در جزوهٔ خود بنویسید .

**۴ ـ تکلیف ـ** از روی این سر مشق چند بار بنویسید .

*نوروز برای همهٔ ایرانیان و بخصوص برای کودکان بهترین روز سال است*



# گوزن

گوزن از جانوران کوهی است و آنرا مانند آهو و بز و گاوکوهی شکار میکنند شاخهای این حیوان بلند و شاخ شاخ و از دور مانند درخت است.

یك روز گوزنی بر لب چشمه رفت که آب بخورد عکس شاخهای خود را در آب دید بسیار خوشش آمد و با خود گفت راستی

شاخهای قشنگی دارم حیف که دست و پایم
باریك و زشت است و باین شاخها نمی‌آید.
درهمین حال چند سك شکاری از دور پیدا
شدند گوزن که سگها را دید پا بفرار گذاشت



سگها اورا دنبال کردند اما هرچه می دویدند
باو نمیرسیدند گوزن داخل جنگلی شد
وهمچنان که میدوید شاخهایش بدرختی گیر کرد
و از حرکت باز ماند سگها رسیدند و پاره
پاره اش کردند بیچاره درحال جان دادن میگفت:
دست و پای زشت جانم را در برد اما شاخی که
گفتم قشنك است بکشتنم داد.

۱ ــ **پرسش.** شاخ گوزن چه طور است ؟ ــ گوزن عکس خودش را کجا دید ؟ ــ گوزن از چه نا راضی بود ؟ ــ برسر گوزن چه آمد ؟

۲ ــ **باز گویی حکایت** ــ حکایت را بگویید (موقع گفتن حکایت راست و طبیعی بایستید بلند و شمرده حرف بزنید . )

۳ ــ لغات و اصطلاحات تازه را که روی تخته سیاه نوشته شده با مداد پر رنك چند بار بنویسید .

گوزن ــ آهو ــ شاخ شاخ ــ در همین حال ــ سك شکاری ــ پا بفرار گذاشت ــ از حرکت باز ماند ــ پای زشت جانم را دربرد. شاخ قشنك بکشتنم داد ــ دست و پایم باین شاخها نمی آید .

۴ ــ **رونویسی** ــ قسمتی از حکایت را با خط خوب و با مداد پر رنك بنویسید (یادتان نرود که نقطه های حروف ودندانه هاوسر کشهای کاف و گاف را بگذارید و(ب) را بکلمه بعد بچسبانید).



## آشیانهٔ کلاغ

یك جفت کلاغ در میان جنگل درخت
سبز و خرمی آشیانه گذاشته بودند و پنج جوجه

کوچك داشتند پرویز بچه کلاغها را در آشیانه دید و خواست آنها را بر دارد.

در موقعی که پدر و مادر جوجه ها در آشیانه نبودند از درخت بالا رفت همینکه نزدیك آشیانه رسید دو کلاغ از چپ و راست باو حمله کردند این دو کلاغ پدر و مادر جوجه بودند که در همان وقت رسیده بودند و دست درازی پرویز را دیده بودند کلاغها گرد پرویز میپریدند و بسر و صورت او پر و بال میزدند و فریاد میکردند پرویز هرچه خواست نزدیکتر برود نتوانست زیرا کلاغها پی در پی بچشم او حمله میبردند و میخواستند او را کور بکنند پرویز سخت ترسید و خواست پایین برود لیکن از ترس دست و پای خود را گم کرد و از درخت بزیر افتاد.

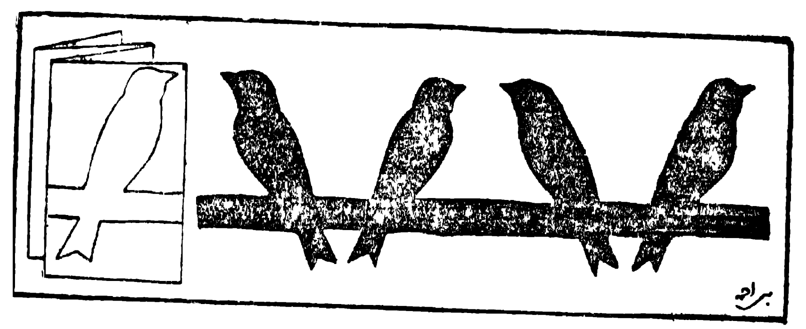
۱ - **پرسش** - کلاغها در کجا آشیانه گذارده بودند ؟ (۱) - کلاغها چرا بپرویز حمله می کردند ؟ - پرویز از چه ترسید ؟
آیا شما مثل پرویز دوست دارید جوجه های مرغها را از آشیانه بردارید ؟ - چرا ؟ .

۲ - **بازگویی حکایت** - حکایت بالا را بزبان خود بگویید (جلو کلاس راست بایستید و بلند وشمرده حرف بزنید)

۳ - کلمات وجملاتی که روی تحته سیاه نوشته شده چند باربنویسید :
کلاغ - باو حمله کردند - سخت ترسید - دست و پای خود را گم کرد

۴ - **رونویسی** - قستی ازحکایت را با خط خوب وبامداد پررنك بنویسید .

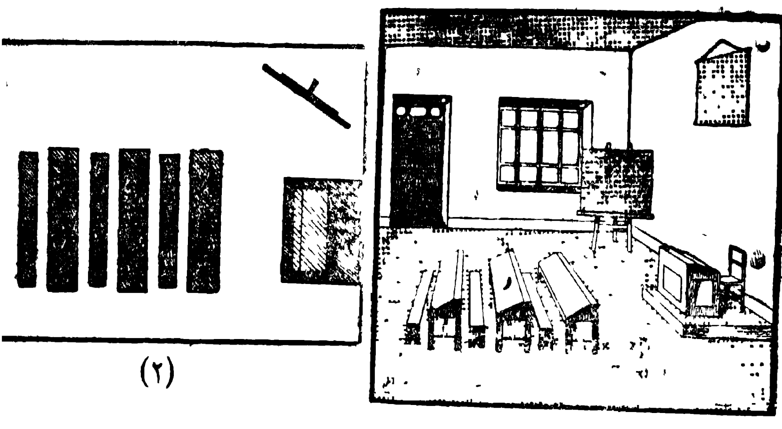
**کار دستی :**



۱ - شکل کلاغ را در کنار کاغذ بکشید .
۲ - مانند شکل دست چپ تاکنید .
۳ - با قیچی اطراف شکل را ببرید بعد کاغذ را بازکنید .

---

(۱) جواب باید عبارت کامل باشد مثلا در جواب این پرسش :
کلاغها درکجا آشیانه گذارده بودند ؟ « باید گفته شود :
« کلاغها در روی درخت آشیانه گذارده بودند» ونه« روی درخت »



(۲) (۱)

# کلاس درس

بالای این صفحه را خوب نگاه کنید در طرف راست صورت یك کلاس و درطرف چپ نقشهٔ آن است .

درصورت در و پنجره و میز وصندلی آموزگار و تخته سیاه و چیز های دیگر که در کلاس هست می بینید و شما همه اینها را دیده‌اید و میشناسید این شکل را نقاش از کلاس درس شما کشیده است و در کتاب شما چاپ کرده‌اند.

اکنون اگر شما از دریچه ای که در سقف اطاق است توی کلاس نگاه بکنید کلاس

درس و چیز هایی را که در آن هست مطابق نقشه که در طرف چپ صفحه است می بینید در شکل همه چیز را از پهلو می‌بینیم و در نقشه از بالا .

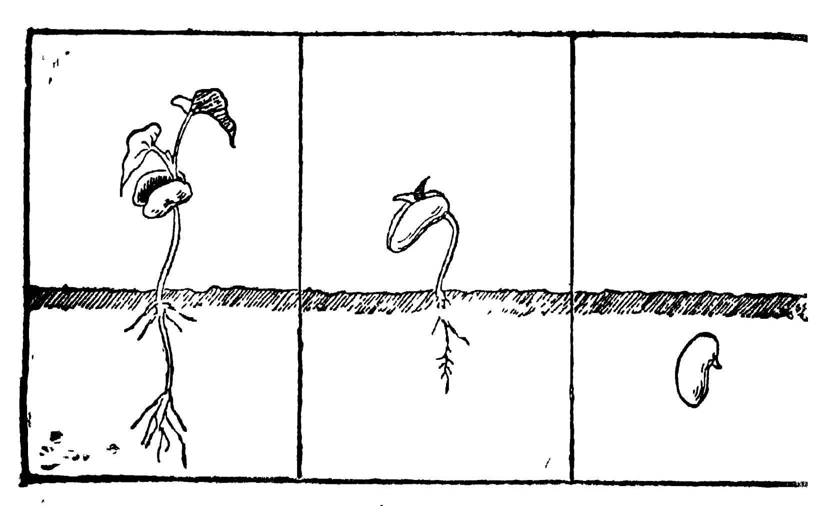
پرسش — در صورت کلاس ( شکل ۱)میز و صندلی آموزگار را نشان بدهید

در نقشهٔ کلاس ( شکل۲ ) میز و صندلی آموزگاررانشان بدهید(۱)

میز های دانش آموزان را که در صورت کلاس می بینید بشمارید چند میز است ؟ - در صورت چندصندلی است ؟ - چندتشه است ؟-چراجای آموزگار را درکلاس درس بلندتر از جای دانش آموزان قرار داده‌اند .

---

(۱) این دو پرسش را در بارهٔ تمام چیزهایی که در صورت ونقشه دیده میشود تکرار کنید .



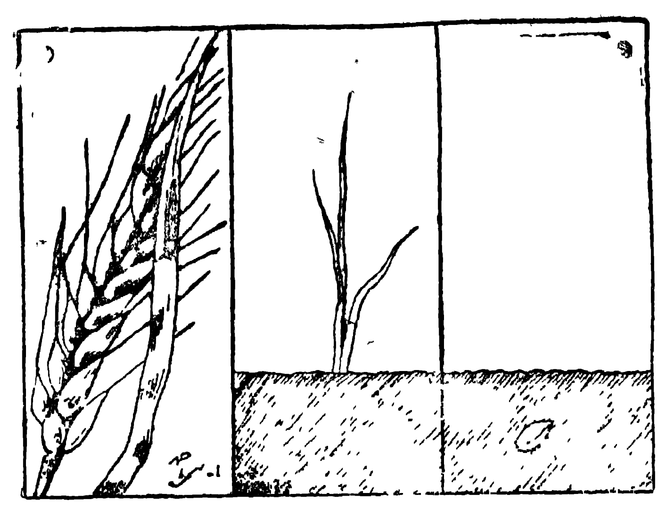
۱ - **مشاهده شکل** — در این شکل چه می بینید ؟
۲ . **گفتگو** - در خصوص شکل و رنگ و بزرگی و فایده دانه های لوبیا و باقلا - ( دانهٔ لوبیایی را در آب نگهدارید و ببینید پس از چند روز چطور میشود )

# من لوبیا میکارم

نگاه کنید من می خواهم یك دانه لوبیا بکارم باور میکنید که این دانه سخت و خشك سبز بشود من آنرا در آب می اندازم اول پوستش نرم می شود بعد بنامیکند بباد کردن آن قدر بادمیکند که پوستش ازهم جدا میشود دراین وقت آنرا در زمین میکارم تا چهار پنج روز اثری از آن پیدا نیست روز هفتم یا هشتم

خاك روی لوبیا کمی بلند میشود از روز بعد
بنا میکند بیرون آمدن راستی چه کار پر
زحمتی دارد اول پشت خمیده‌اش را از زیر
خاك بیرون میآورد بعد قد خود را راست
می کند و دو برك خیلی کوچك از آن بیرون
می آید سر خود را در مقابل آفتاب و باد
تکان میدهد و خوشحال است که از زیر زمین
تاریك بیرون آمده وحالا درهوای آزاد و جای
روشن زندگی میکند .

۱ ـ قصه گویی ـ قصه ـ روییدن دانه لوبیا رابزبان خودتان بگویید
۲ ـ کلمات وجملات تازه راکه روی تخته سیاه نوشته شده است چندبار
بنویسید : آیا باور میکنید ؟ ـ اثر ـ پوستش نرم میشود ـ پشت خمیده ـ
قد خود را راست میکند ـ هوای آزاد ـ جای روشن .
۳ ـ با خط خوب و خوانا قسمتی از درس را بنویسید ( یادتان نرود
که دندانه ها ونقطه های روی حرفهارا بگذارید )
۴ ـ **بکار بردن افعال هست و نیست** : آفتاب گرم است ـ آفتاب
گرم نیست . زمین نمناك است ـ زمین نمناك نیست . . . . .



۱ - **مشاهده شکل** - در روی این شکل چه می بینید ؟

# قصهٔ دانه گندم

در پاییز برزگـــر مرا در زیر خـــاك می کند وبزودی بشکل یك ساق کوچك سبز از زمین بیرون میآیم در بهار بزرك می شود یك خوشه از سرم میروید در این خـــوشه دانه های بسیار هست .

خوشه درآفتاب گرم تابستان میرسد ورنك سبزش زرد می شود وقتی که نسیم میوزد خوشه هم از چپ و راست تکان میخورد .

در این وقت است که دروگر میآید و با داس مرا میبرد خوشه مرا میکوبد و دانه های گندم را از ساق و پوست آن جدا میکند بعد بآسیا میبرد و زیر سنگ آسیا آرد میکند.

آیا میتوانید بگویید که بعد از این با من چه میکنند؟

**۱ - پرسش** - برزگر در چه موقع گندم را در زیر خاک پنهان میکند؟ - چه وقت خوشه بیرون می آید؟ - چه وقت گندم را درو میکنند؟

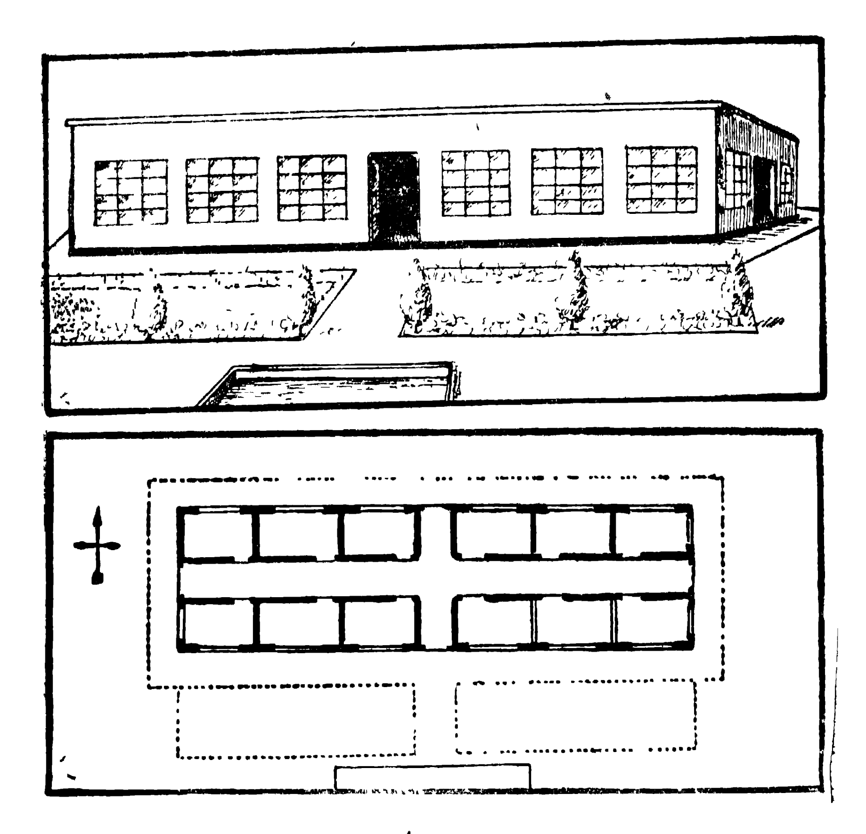
**۲ - بازگویی حکایت** - قصه دانهٔ گندم را بزبان خودتان بگویید (راست بایستید و شمرده و بلند حرف بزنید در موقع حرف زدن ملتفت باشید که کلمات و عبارات صحیح ادا شود)

**۳- گفتگو درخصوص دانهٔ گندم** (دانهٔ گندمی را از وسط باچاقو ببرید و پوست و مغز آنرا ببینید) - همچنین ساقهٔ خشک گندم و کاه وخوشه گندم را نگاه کنید ورنگ وشکل آنها را بگویید

**۴ - بازی** - یکی از کودکان کارهای برزگر را در موقع تخم پاشیدن و دروگررا درموقع درو کردن تقلید کند و دیگران بگویند که او چه میکند ([illegible] او در مزرعه راه میرود او گندم را بر میدارد. او گندم را میپاشد.

**۵ - کلماتی را که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید:**
برزگر - خوشه - نسیم میوزد - دروگر - داس - سنگ آسیا.

**۶ - رونویسی** - با خط خوب و مداد پررنگ قسمتی از درس را بنویسید (یادتان نرود که دندانه ها و نقطه های حرفها و سرکشهای کاف وگاف را بگذارید).



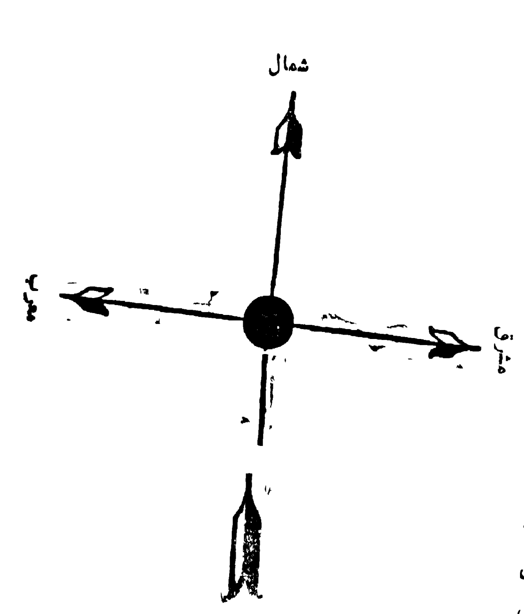
# دبستان

در این صفحه ، هم شکل دبستان را
می بینیم و هم نقشهٔ آن را شکل بالا تصویر دبستان
و شکل زیر نقشهٔ آن است .

در تصویر دبستان کف حیاط و درختان

و ساختمان دبستان را خوب می بینیم کلاس اول در طرف خاور دبستان و کلاس ششم درسمت باختر دبستان است.

آنچه در تصویر دبستان می بینیم در نقشه هم دیده می شود جای حیاط دبستان و جای اطاقها همه پیدا است در نقشه خاور طرف راست و باختر طرف چپ و شمال بالای نقشه است (۱)



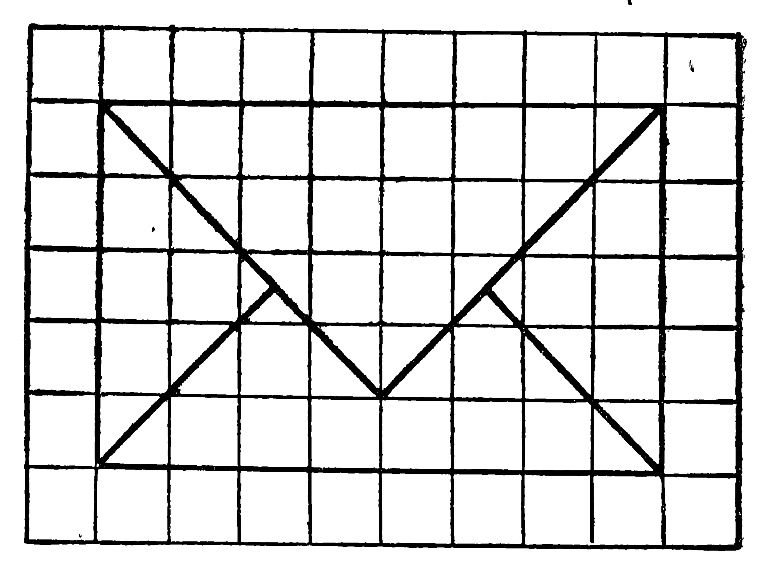

(۱) آموزگار باید روی تخته سیاه نقشه‌های بسیار ساده از دبستان ترسیم و پرسشهای بالا را در مورد هر یك از نقشه ها تکرار کند در ترسیم نقشه ها همیشه چهار جهت اصلی را در نظر بگیرید وجهات هر نقطه را بوسیله شاخصی مطابق این شکل در روی تخته سیاه مشخص کنید

**۱ ــ پرسش ــ** در شکل دبستان آنچه را می بینید بیان کنید آنچه را در شکل دیده‌اید در نقشه نیز نشان بدهید.

در نقشه خاور کدام سمت است ؟ ـ شمال کدام سمت است ؟ ـ جنوب کدام سمت است ؟ ـ باختر کدام سمت است؟ هریك ازاین جهت هاراروی شکل دبستان نیز نشان بدهید .

**۲ ـ رونویسی :** درس را با مداد پر رنك و خط خوب در کتابچهٔ خود بنویسید .

**رسم** ــ مطابق این شکل در روی کاغذ شطرنجی بکشید :



**نقاشی** ــ شاخصی مطابق شکل صفحهٔ پیش بکشید .

# کیخسرو در دورهٔ کودکی

یکی از پادشاهان بزرك داستانهای ایران در قدیم کیخسرو بوده است .

گفته اند وقتی که کیخسرو بدنیا آمد مادرش او را بچوپانان سپرد تا دشمنان از وجود او با خبر نشوند .

چوپانان کیخسرو را نگاه داشتند تا هفت ساله شد در هفت سالگی از چوب ورودهٔ گوسفند تیر و کمان ساخت و در صحرا با آن شکار آهو میکرد در ده سالگی با هنرتر و دلیرتر شد و توانست که شیر و ببر و پلنك و جانوران درندهٔ دیگر را شکار بکند .

۱ – پرسش – [illegible] که بوده؟ – وقتیکه بدنیا آمد مادرش او را بکه سپرد؟ [illegible] کیخسرو [illegible] کرد؟ [illegible] سالگی چه میکرد؟

۲ – [illegible] اصطلاحات را که روی [illegible] شده چند بار [illegible] .

قدیم – کیخسرو – حکایت – تیروکمان – صحرا – آهو – باهنر – دلیر –

۳ – رونویسی – حکایت را با خط خوب و خوانا و با مداد در جزوهٔ خود بنویسید .



# کوچه و خیابان

در این صفحه شکل و نقشهٔ کوچه و خیابان
را کشیده اند .

در شکل دست راست بنا ها و عمارتهای
کنار خیابان خوب دیده میشود خیابان را رو
بشمال کشیده اند . کوچهٔ دست راست خیابان
پهن تر از کوچه دست چپ است در کنار خیابان
درخت دیده میشود پاره‌یی از ساختمانهای کنار
خیابان سه طبقه است در طبقهٔ دوم و سوم مردم
و خانواده ها زندگی میکنند و طبقه های پائین

مغاره و دکان است.

شکل دست چپ نقشهٔ کوچه ها و خیابان است کف خیابان و کوچه ها و جای ساختمانها و عمارتها خوب دیده میشود.

در نقشه هم خیابان را از جنوب بشمال کشیده اند و نقطه های سیاه جای درختهای خیابان است (۱)

۱ - **پرسش** - در شکل دست راست چه می‌بینید ؟ - درختهادر کجای خیابان قرار دارد ؟ - در خیابان چه می‌بینید ؟ - خیابان روبکدام سمت کشیده شده است ؟ - جای درختها را در نقشهٔ خیابان (شکل دست چپ) بچه صورت می‌بینید ؟ نقطه های سیاه در نقشهٔ خیابان نشانهٔ چیست ؟

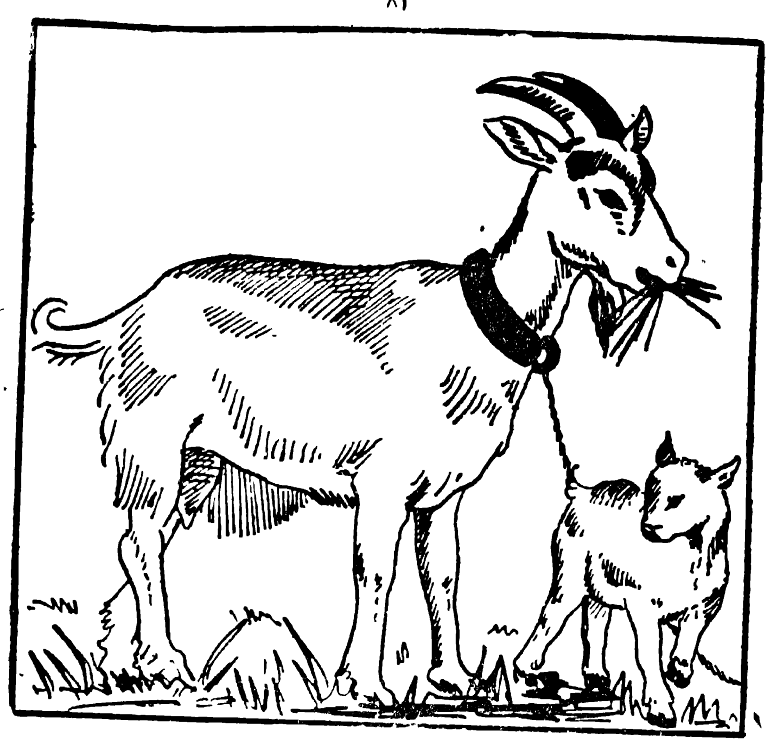
۲ - لغات واصطلاحات تازه راکه روی تخته سیاه نوشته شده چندبار با خط خوب و مداد پر رنگ بنویسید.

نقشه - رفت و آمد میکنند - پاره یی از ساختمانها - ساختمانهای سه طبقه - در طبقه های دوم و سوم - مغازه.

۳ - **رونویسی** - درس بالا را با مداد پر رنگ و خط خوب در دفترچهٔ خود بنویسید

---

(۱) باید روی تخته سیاه با گچ طرحهای ساده یی از امتداد کوچه و خیابان ترسیم و کوشش شود که امتداد کوچه ها وخیابان در چهار جهت اصلی بنوآموزان فهمانده شود



# بُز و بُزغاله اش

بز بصحرا رود و بُزغاله

کُند از دوُری مادر ناله

دمبدم بَع بَع و فریاد کند

مادرش را بصدا یاد کند

بز بصحرا برود با چوپان

از گیاهان خورد و آب روان

چونکه پر شیر شود پستانش

بازگردد گله با چوپانش

بزک ها بدود پیشاپیش

تا دهد شیر بزغالهٔ خویش

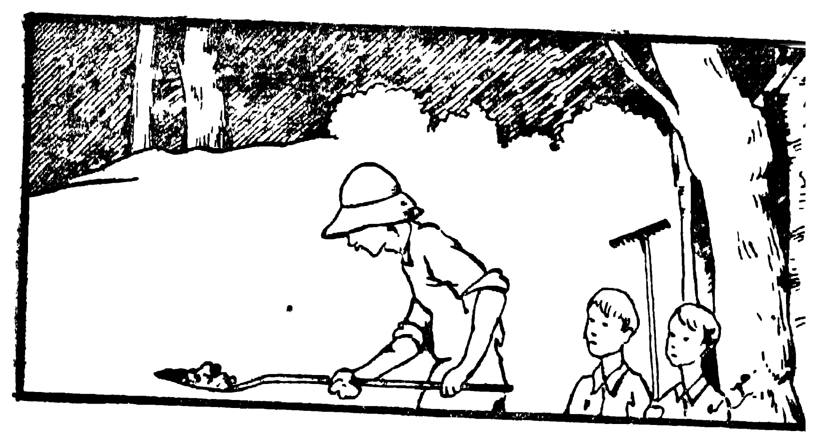
(حبیب یغمائی)

سؤال - برای چه بز بصحرا میرود ؟ - بزغالهٔ او چرا ناله میکند ؟ - بز در صحرا چه میخورد ؟ - چه وقت بز بمنزل برمیگردد ؟ - برای چه پیشاپیش میدود ؟ - در ده شما چند بار در روز بزها را میدوشند ؟ - با شیر بز چه میکنند ؟

۲ - رونویسی - لغات و اصطلاحاتی که روی تخته سیاه بخط نستعلیق نوشته شده است چند بار با خط خوب و با مداد پررنگ بنویسید ؟

بز و بزغاله - صحرا - دمبدم - بع بع - پیشاپیش - خویش - گله با چوپانش - بازگردد .

نقاشی - شکل یک بز بکشید و دور آنرا ببرید ؟



**مشاهده شکل** ـ در این شکل چه می بینید ؟

# سبزی کاری

فریدون و قباد همراه پدرشان بباغ رفتند پدر زمین را بیل زد و کود را با خاك مخلوط کرد .

بعد ترب و هویج و لوبیا کاشت و تخمهای آنها را با شنکش زیر خاك کرد . روز دیگر کاهو و چغندر و شلغم کاشت درختها را تراش داد و باغچه ها را آب داد .

سبزیها روز بروز بزرگتر شدند و

بوته آنها درشت تر شد .

روزی پدر بفریدون و قباد گفت :

ببینید سبزیها تر و تازه است کمی بچینید تا بخانه ببریم .

فریدون و قباد با خوشحالی قدری کاهو و لوبیا تازه چیدند و برای مادرشان بردند .

۱ ــ رونویسی ــ با خط خوب قسمتی از حکایت بالا را بنویسید:

۲ ــ لغات و اصطلاحات تازه را بنویسید : ( مخلوط کردن - بوته درشت تر شد ــ سبزیها روز بروز بزرگتر شدند ) .

۳ ــ گفتگو ــ بیل چند تکه است؟ فایده هر تکه چیست ؟ ( بهمین طریق در خصوص بیلچه ـ شنکش گفتگو شود . )

۴ ــ بازی ــ ( تقلید هر یك از حرکات باغبان در موقع بیل زدن- کاشتن دانه ـ کاشتن درخت ـ تراش درخت ـ آب پاشی کردن و شنکش کشیدن )



نقاشی : ۱ ــ شکل بیل و بیلچه و شنکش را بکشید .

۲ ــ از روی این شکل بکشید و رنگ آمیزی کنید .

کار دستی ــ شکل میوه هایی را که دوست دارید روی کاغذ رنگی بکشید و دور آنها را ببرید و در دفترچه خود بچسبانید .





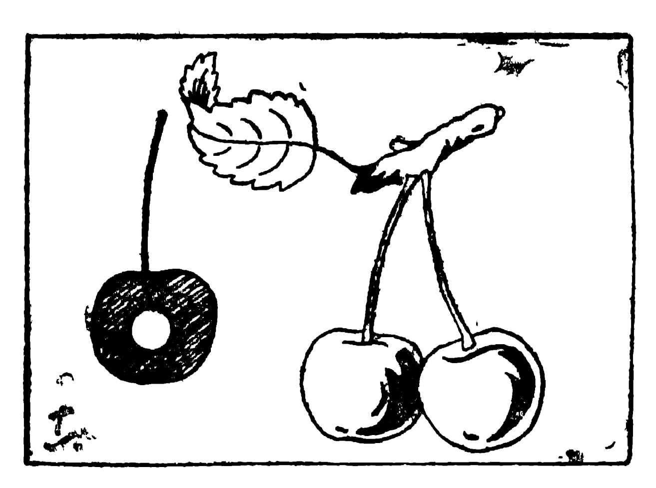
**مشاهدهٔ شکلها** ـ دراین شکلها چه می بینید ؟

# چیدن آلوبالو

پری و فرامرز با اجازهٔ مادرشان بباغ رفتند که آلبالو بچینند.

فرامرز چون کوچکتر بود از شاخه هایی که خم شده و نزدیك زمین بود آلبالو می چید پری هم نردبان گذاشت و بالای درخت رفت.

پری و فرامرز با هم می گفتند و می خندیدند گاهی هم یك آلبالوی آبدار و خوشمزه بدهان میگذاشتند و گاهی آلبالو های جفتی را بگوش خود مانند گوشواره آویزان میکردند.



پس از آنکه سبد را از آلبالو پر کردند هر کدام یك طرف آنرا گرفتند و شادی کنان بخانه بر گشتند و در راه بخود میگفتند :

— ای کاش همیشه آلبالو بود و ما ازچیدن و بخانه بردن آن حظ میبردیم .

۱ ــ تمرین ــ کلمات و جملات تازه را که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید :

باحازه - آلبالوی آبدار و خوشمزه ــ مانندگوشواره ــ شادی کنان . حظ بردن ــ ای کاش ــ در راه بخود میگفتند .

۲ ــ رونویسی ــ با خط خوب وبامداد پررنك درس را یکبار بنویسید : (یادتان نرود که دندانه ها ونقطه ها را بگذارید )

۳ ــ گفتگو ــ آلبالو از چند قسمت درست شده ( دم ــ هسته ــ گوشت آبدار ).

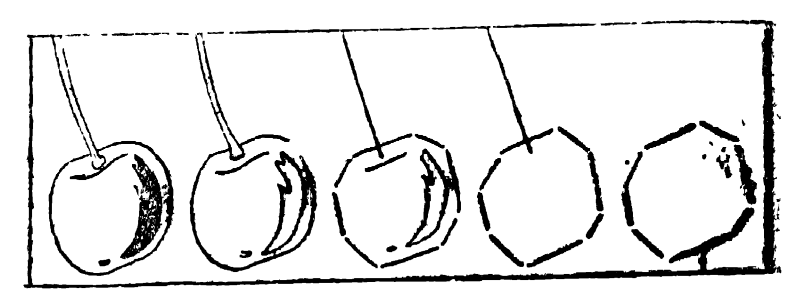
**۴ ــ بازی ــ گفتگو میان آلبالو و گلابی :**

آلبالو بگلابی می گوید : من آلبالو هستم رنگم قرمز است و از من مربا و شربت درست میکنند .

گلابی بمن بگو : تو چه هستی ؟ و چه فایده داری ؟

بهمین ترتیب گفتگو میان گلابی وسیب ومیوه‌های دیگر مطرح شود.

**نقاشی ــ** از روی این شکلها بکشید ( از دست راست شروع کنید) رنگ آمیزی کنید .



# اسب رستم

رستم نام یکی از پهلوانان داستانهای قدیم ایران است این پهلوان در تمام جنگها پیش میبرد.

رستم در جوانی اول دفعه که میخواست بجنگ برود از پدر خود اسب بزرگی خواست پدر اسب بسیاری داشت دستور داد تا تمام اسبها را از جلو رستم بگذرانند تا هر کدام را می پسندد برای خود بر دارد رستم یك یك اسبها را امتحان کرد و هیچ کدام را نپسندید تا اینکه چشمش بکرهٔ اسبی افتاد که همراه مادر خود میدوید کرهٔ اسب بچشم او خوب آمد آنرا گرفت و امتحان کرد و پسندید و همان را اسب خود قرار داد ودر تمام جنگها بر آن سوار میشد.

اسم اسب رستم رخش بوده است.

**۱ ــ پرسش** ــ رستم نام که بود ؟ پهلوان یعنی چه؟ ــ رستم از پدر خود چه خواست؟ پدر او چه دستور داد ؟ ــ آیا رستم هیچیك از اسبها را پسندید؟ آخر کدام اسب را پسندید ؟ ــ نام او را چه گذاشت ؟

۲ ــ این لغات و اصطلاحات تازه را که روی تخته سیاه نوشته شده چند بار بنویسید : رستم ــ پهلوان ــ غالب میشد ــ پدر دستور داد ــ می پسندد ــ صاحب شود ــ همراه ــ کرهٔ اسب بچشم او خوب آمد .

**۳ ــ رونویسی** ــ حکایت را با خط خوب وخوانا وبا مداد پررنك در کتابچهٔ خود بنویسید .

# مسلمانی

مسلمان باید باصول دین اعتقاد داشته باشد
مسلمان باید بهیچکس آزار نرساند و مردم از
دست و زبان او آسوده باشند مال کسی را نبرد
دروغ نگوید بد گویی نکند امین باشد
درستکار باشد مسلمان باید از مسلمان دستگیری
بکند اگر بداند کسی بیچاره است در آسایش
او بکوشد مسلمان باید از مالی که خدا باو
داده بمردم خیر برساند و کار هایی بکند که
برای دیگران فایده داشته باشد مسلمان باید
بی کار نگردد علم و صنعت یاد بگیرد از زور
بازوی خود نان بدست بیاورد تا محتاج دیگری
نشود.

روز قیامت از کسی نمی پرسند پدرت
کیست، می پرسند کارت چیست، مال از کجا واز
چه راه بدست آوردی و در کدام راه خرج

کردی ؛ حلال بود یا حرام ؛ رفتارت چگونه بود ؛
با مردم مهربانی کردی یا بمردم آزار رسانیدی ؛
مسلمانان باید همه با هم برادر باشند کسی که
بفکر مسلمانان نباشد مسلمان نیست .

## اصول دین و مذهب

اصول دین و مذهب اسلام پنج است :
توحید نبوت معاد عدل امامت

توحید و نبوت و معاد اصول دین است
عدل و امامت اصول مذهب است .

۱ - توحید اینست که خداوآفریننده جهان‌را
یگانه و بی‌همتا بدانیم .

۲ — نبوت این است که پروردکار برای
راهنمائی بندگان پیغمبرانی فرستاده که اول آنها
آدم و آخر آنها پیغمبر ما محمد بن عبدالله
صلی الله علیه و آله میباشد کتابی که پیغمبر ما از
جانب خدا آورده قرآن کریم است که آخرین

کتاب آسمانی است اگر خداوند پیغمبران نمیفرستاد مردمان خوب را از بد نشناخته در گمراهی میماندند.

۳ - معاد یعنی باور داشته باشیم که در روز قیامت مردگان زنده میشوند کسانی که خوش رفتار بوده اند ببهشت و کسانی که بدرفتار بوده‌اند بجهنم میروند.

٤ - عدل اینست که خدا را عادل بدانیم.

٥ - امامت یعنی علی پسر ابوطالب و یازده فرزندش را امام بدانیم که هر یك بعد از دیگری جانشین پیغمبر بوده‌اند.

## فروع دین

فروع دین هشت است:

اول نماز: در شبانه روزی پنج نماز واجب است صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا.

دوم روزه : تمام ماه رمضان باید روزه گرفت .

سوم حج : هر کس بتواند باید در مدت عمرش یك مرتبه بزیارت کعبه برود .

چهارم خمس : هر کس آنچه اضافه از خرج سال خود داشته باشد باید در آخر سال حساب کند و پنج یك آنرا بسادات فقیر بدهد .

پنجم زکوة : هر کس دارای گندم و جو و خرما و کشمش و گاو و گوسفند و شتر و طلا ونقره باشد باندازهٔ معین که رسید باید زکوة آنرا بمستحقین بدهد .

ششم جهاد : در وقت حملهٔ دشمن همگی باید اسباب جنك ساز کنند و دشمن را برانند .

هفتم و هشتم : امر بمعروف و نهی از منکر هر کس بتواند و از او پیشرفت کند باید مردم را بآنچه خدا و رسول فرموده اند وا دار واز آنچه منع کرده اند باز دارد .

# ترجمه و ترتیب نماز (۱)

نخست آهنگ نماز میکنید یعنی در دل بگذرانید (ولی بزبان نیاورید) که دو رکعت نماز صبح مثلا (یا سه رکعت نماز مغرب یا چهار رکعت نماز ظهر یا عصر یا عشاء بجا می‌آورم) اداء واجب قربةً الی الله تعالی (یعنی برای نزدیکی بخدا) پس مقارن با همین نیت تکبیرة‌الاحرام بگویید (۲) و بهتر آنستکه دستها را در تکبیرة‌الاحرام تا برابر گوش بردارید چنانکه کف دست روی بقبله شود پس بگوئید الله اکبر (یعنی خدا بزرگتر است) (۳)

---

(۱) مقصود از این فصل دو چیز است .

۱ — اینکه اطفال خواندن نماز را باقل واجب (یعنی فقط بافعال و اذکاری که واجب است و اگر از آنها چیزی بکاهند نماز باطل میشود) یاد بگیرند ، تا چون نماز خواندن را کاری سهل و آسان یافتند بشوق بیفتند و آنرا همیشه بخوانند ، و تمرین کنند ، و بعد ها هم در تنگی وقت و در مواقع لزوم از آن استفاده نمایند

۲ — اینکه ترجمهٔ نماز را کلمه بکلمه یاد بگیرند و علاوه بر این میباید (بشرحی که ذیلا اشاره شده است) آموزگاران مضمون هر جمله کامل را هم باطفال بیاموزند .

(۲) در نماز فقط همین تکبیر واجب است .

(۳) یعنی بزرگتر از آنست که بتوانیم او را بشناسیم یا بحقیقتش برسیم

(٤) بجای (قل هو الله) سوره دیگر نیز میتوانید بخوانید .

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الحمد لله رب العالمین «۲» الرحمن الرحیم

سپاس مر خدایرا پروردگار جهانیان ۲ بخشاینده مهربان

«۳» مالک یوم الدین «۴» ایاک نعبد وایاک

۳ خداوند روز رستخیز ۴ همین ترا پرستیم و از تو

---

یعنی بنام خداوند آغاز می کنم یا میخوانم . الله نام ذات خدای تعالی
است که دارندهٔ همه صفات کمال است . رحمن و رحیم هر دو بمعنی بسیار
رحم کننده است ولی ممکن است رحمن بمعنی بخشندهٔ نعمتهای بزرگ باشد
همچون آسمان و زمین و تندرستی و خرد ، و رحیم بمعنی بخشندهٔ نعمتهای
دقیق و لطیف باشد چون سیاهی چشم ، ونزدیکی موهای پلک چشم بهمدیگر
که از رفتن گرد و خاک جلو گیری می کنند . و از عبور نور و افتادن
صورت دیدنیها در مردمک چشم مانع نیستند پس این دقت وحکمتی که در
کمال آفرینش بکار رفته که روشنایی راار رسیدن بمردمک چشم جلو گیری
نمیکند ، و خاک و خاشاک را از رفتن در چشم بازمیدارد. بلفظ رحیم ادا
شده است . یا آنکه رحمت رحمانی رحمت دنیا است که مؤمن و کافر هر دو
را فرا میگیرد . درجهت رحیمی آنست که در آخرت خاص مؤمنان است «۱»
یعنی حقیقت سپاس با هر شکر وسپاسی که از سپاس گذاری شنیده شود
بخدا ساز میگردد پس اگر از نعمت وجود پدر و مادر و آموزگار و

نَسْتَعِينُ «٥» اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

یاری خواهیم ٥ راه راست را بما بنما ،

«٦» صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ «٧» غَيْرِ

راه کسانی که منت نهادی برایشان ، نه آنان که

الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ .

خشم گرفته ای برایشان ، ونه گمراهان .

---

دانشمندان ، و دلیران و ابر و باران و نور خورشید بهره‌مند شویم ، و انها را شکر و ثنا گوئیم در حقیقت او را ستایش نموده ایم که همه این نعمتها را او داده است . پس چنانکه همه نعمتها در حقیقت از اوست همه ستایشها نیز باو باز گردد وهیچ کس جز خداوند سزاوار ستایش و پرستش نباشد ـ همه جهانیان رامیپروزاند . و هرچیز رابمرتبه کمال آن میرساند (٢)

ملك هم قرائت شده و آن بهتر است . یعنی پادشاه روز جزا . و رحمن و رحیم در این سوره مکرر آمد. تا بندگان بدانند که پادشاه روز رستخیز مهربان و بخشنده است و بدو امیدوار باشند (٣)

پرستش یعنی عبادت و اظهار نهایت خضوع و فروتنی و خواری مقصود اینست که کمال خشوع و عبادترا برای غیر تو بجا نمی آوریم ، و از جز تو یاری نمیخواهیم (٤)

مراد از راه راست راه حق است یعنی ما را بر راه راست بدار (٥)

منعم علیهم کسانی هستند که در بارهٔ آنان خدا فرمود و من یطع الله والرسول فاؤلئك مع الذين انعم الله عليهم من النبين والصديقين . والشهداء والصالحين (٦) ، ومغضوب علیهم کسانی که در بارهٔ آنان فرمود: ومنهم من لعنه الله و غضب عليه . و ضالین کسانی اند که در بارهٔ آنان فرموده : قد ضلوا من قبل واضلوا كثيراً (٧)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ «۱» اَللّٰهُ الصَّمَدُ «۲»

بگو اوست خدای یگانه ۱ خداست که قصد و امید خلقان بسوی او ست

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ «۳» وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ

نزاد و نه زائیده شد ۳ و نبود مر او را همتا هیچکس ۴

---

کافران از پیغمبر پرسیدند که بگو خدای تعالی چونست خداوند این سوره را در پاسخ آنان فرستاد ـ که بگو ای محمد آنکه از وی پرسیدند الله است معبود بحق است ۱ ـ صمد است یعنی از دیگران بی نیاز است یا صمد است یعنی مردم همه در نیاز مندی ها رو بوی کنند و باو امید دارند. و او بغیر خود نیازمند نیست (۲) نزائیده یعنی فرزند ندارد یا اینکه از وی چیزی بیرون نمی آید چه کثیف باشد چون فرزند و چه لطیف باشد چون نفس ، و چیز های حادث مانند پینکی و خواب و اندوه و شادی و خنده و گریه و بیم و امید و گرسنگی و سیری از وی پراکنده نمیشود : و از چیز دیگر بوجود نیامده چنانکه مردم از مردم و جانور از جانور و گیاه از زمین و از تخم و آب از چشمه و میوه از درخت و بینائی از چشم و شنوائی از گوش و سخن اززبان و معرفت از دل و نور از خورشید پدیدار میشوند ۳ ـ و او را مانند و همتا و همسر و انبازی نیست ٤

بعد از خواندن حمد و سوره خم شوید چنانکه کف دستهای شما بسر زانو برسد، و چون تن آرام گرفت سه بار بگوئید سُبْحانَ اللّه یعنی تسبیح میکنم تسبیح خدا. یعنی پاکی او را از صفات نقص آشکار میکنم(۱) پس از رکوع سر بردارید و راست بایستید، چون تن آرام گرفت سنت است بگویید اَللّهُ اَکْبَرْ، و بهتر آنست که درین وقت دستها را همچنانکه در تکبیرة الاحرام گفتیم بلند کنید پس بسجده میروید چنانکه دو کف دست و پیشانی و زانو ها و نوك دو انگشت شست پا ها را بر زمین گذارده باشید و واجب است که پیشانی را بر زمین یا بر چیزیکه از زمین میروید (ولی خوردنی و پوشیدنی نباشد) همچون خاك و سنك وچوب و برك درختان بگذارید، و پس از آرامش تن و اعضا سه بار میگوئید سُبْحانَ اللّه یا یك بار بگوئید سُبْحانَ رَبِّیَ الْاَعْلی وَ بِحَمْدِهِ یعنی تسبیح میکنم پروردگار خود را که برتر و بلند پایه تر از همه چیز است درحالتیکه متلبسم بستایش او(۲) سپس سر از سجده بردارید و بنشینید بدن که آرام شد دو باره بسجده روید و چون سر از سجده دوم برداشتید رکعت اول بپایان رسید، بر میخیزید

---

(۱) یا دور میسازم خدا را از بد دور ساختنی.

(۲) یعنی ستایش ویرا جامهٔ خود نموده‌ام وهمچنانکه همیشه با رخت خود هستم با ستایش وی نیز همواره همراهم.

برای رکعت دوم، و دوبازه حمد و سوره میخوانید در رکعت دوم سنت مؤکد است که پس از تمام شدن سوره دست‌بدعا بردارید ـ یعنی دستها را درمقابل صورت نگاه دارید وقنوت بخوانید ـ پس از آن مانند رکعت اول رکوع‌وسجودمیکنید، ازسجدهٔ دوم که سر بر داشتید همچنان‌نشسته‌بگوئید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، یعنی گواهی میدهم که‌نیست خدائی که سزاوارپرستش باشد جزخداوند تنها است، انباز و شریکی برای او نیست، و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست، خداوندا رحمت فرست برمحمد و خاندان محمد (١).

پس اگر نماز صبح میخوانید همینجا سلام بدهید یعنی پس‌از تشهد بگوئید اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِاللهِ الصَّالِحِينَ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ.(٢) یعنی درود بر ما و بر بندگان نیکوکارخدا باد درود بر شما.

و اگر اینکه میخوانید نماز مغرب است بعد از تشهد سلام ندهید بلکه بر خیزید وچون راست ایستادید یك بار بگوئید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ. (٣)

---

(١) یا نیك بستای ( یا ببخشای ) بر محمد و خاندان محمد.

(٢) اگر ( و رحمة‌الله و برکاته ) ( یعنی درود بر شما و رحمت خدا و افزونی خیرات او ) را علاوه کنید بهتر است.

یعنی پاك است خدا وستایش برای خداست ونیست خدائی جز الله وخدا بزرگتر از همه چیز است .

یا یك بارحمدمیخوانید ، وركوع وسجود میکنید، وپس ازسر برداشتن ازسجده دوم تشهد میخوانید وسلام می‌دهید واگر نماز عشاء یا ظهر یا عصر است چون سر ازسجده دوم برداشتید حالا تشهد وسلام نخوانید برخیزید برای رکعت چهارم و آنرا مانند رکعت سوم نماز مغرب بجا بیاورید و همچنان چون سراز سجدۀ دوم آن برداشتید تشهدبخوانید و سلام بدهید.



توانا بود هر که دانا بود

# حساب کلاس دوم ابتدایی

تدریس حساب در کلاس دوم شفاهی است و آنچه در این کتاب نوشته شده برای آموزگار است نه برای خواندن نوآموزان

۱۳۲۴

چاپخانهٔ کیهان

# ۱ - شمردن

## شمارهٔ زبانی و نوشتنی ( عدد های درست )

| | | |
|---|---|---|
| یك گردو | ۱ | o |
| دو » | ۲ | o o |
| سه » | ۳ | o o o |
| چهار » | ٤ | o o o o |
| پنج » | ٥ | o o o o o |
| شش » | ٦ | o o o o o o |
| هفت » | ۷ | o o o o o o o |
| هشت » | ۸ | o o o o o o o o |
| نه » | ۹ | o o o o o o o o o |

هر یك از کلمه های یك و دوو سه و چهار و پنج و ۰۰۰۰۰۰ را عدد گویند وهر یك از این عدد ها را بوسیله یك علامت نمایش میدهند، علامت یا نشانهٔ عدد یك عبارتست از ۱ و علامت یا نشانه‌عدددو عبارت است از ۲ و نشانه عدد سه عبارتست از ۳ . . ۰۰۰

هریك ازگردو هائی‌که شمردیم یك **یکه** گویند

**یکان** - عدد های ازیك تا نه بوسیلهٔ یك علامت ساده‌نشان داده میشود این عدد ها را **یکان** گویند.

علامت ( ٥ ) که میخوانند صفر هیچ را نشان میدهد اگر روی میز کتاب نباشد میگویند صفر یا هیچ ( ۱ )

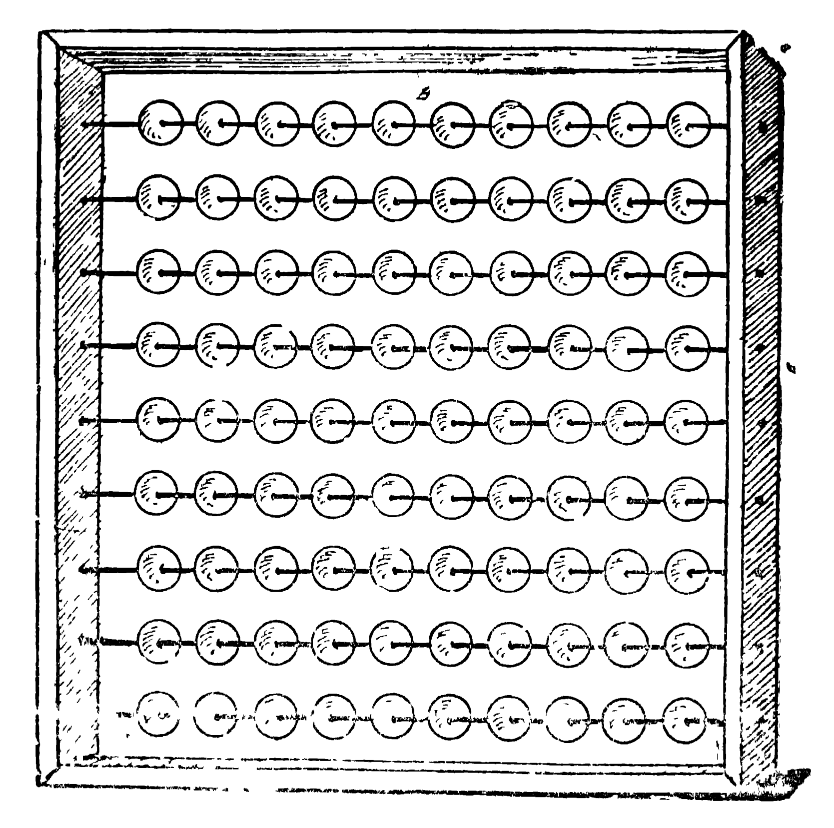
(۱) نو آموزان صفر را باین شکل (٥) بنویسید نه بشکل نقطه و پنج را هم دندانه دار مانند این شکل ( ۵ )

ده نشانه‌یاعلامتی که برای نشان دادن عددها بکار میروند عبارتند از ( ۰ ) صفر و (۱) یك و(۲) دو و(۳) سه و(٤) چهار و( ٥) پنج و (٦) شش و (۷) هفت و (۸) هشت و (۹) نه این علامت ها یا نشانه ها را رقم خوانند.

عدد های از ۱ تا ۹ راکه هریك بوسیله یك علامت نشان‌داده میشوند عددهای یك رقمی می‌گویند.

**دهگان** ـ هرگاه ۱ یکه به ۹ بیفزاییم ده یکه یا یك دهه خواهیم داشت

دهه ها را مانند یکه ها میتوان شمرد



در هر ردیف از چهار چوب ۱۰ مهر دیده میشود

در یك ردیف ۱ دهه مهره هست آنرا مینوسم ۱۰ مهرة.

در دو ردیف ۲ دهه مهره هست آنرا مینوسیم ۲۰ مهره.

در سه ردیف ۳ « « « « « ۳۰ مهره.

درچهارردیف ٤ « « « « « ٤۰ مهره.

در پنج ردیف ٥ « « « « « ٥۰ مهره.

درشش ردیف ٦ « « « « « ٦۰ مهره

درهفت ردیف ۷ « « « « « ۷۰ مهره

درهشت ردیف۸ « « « « « ۸۰ مهره.

در نه ردیف ۹ « « « « « ۹۰ مهره

عدد های ده (۱۰) و بیست (۲۰) و سی (۳۰) و چهل (٤۰) و **پنجاه (٥۰) و شصت (٦۰) و هفتاد (۷۰) و هشتاد (۸۰) و نود (۹۰) را دهگان گویند.**

**دهه یا دهگان را با همان رقمهایی‌که یکان را مینوشتیم مینویسیم فقط در** دست راست هر یك یك صفر میگذاریم

یکان عبارتند از

۹ ۸ ۷ ٦ ٥ ٤ ۳ ۲ ۱

دهگان عبارتند از:

۹۰ ۸۰ ۷۰ ٦۰ ٥۰ ٤۰ ۳۰ ۲۰ ۱۰

**از ده تا بیست را میشماریم.**

**۱ روی ۱۰ بگذاریم میشود: یازده** **۱۰ + ۱ = ۱۱**

**۲ روی ۱۰ بگذاریم میشود: دوازده** **۱۰ + ۲ = ۱۲**

۳ روی ۱۰ بگذاریم میشود سیزده $۱۰ + ۳ = ۱۳$

٤ روی ۱۰ بگذاریم میشود . چهارده $۱۰ + ٤ = ۱٤$

الی آخر ...

اگر بهر دهه بترتیب نامهای ۹ عدد نخست یعنی یکانرا بیفزاییم عددهای بین آن دهه و دهۀ بالاتر بدست می آید

از بیست تا سی میشماریم

۱ روی بیست بگذاریم میشود بیست و یك $۲۰ + ۱ = ۲۱$

۲ روی ۲۰ بگذاریم میشود بیست و دو $۲۰ + ۲ = ۲۲$

الی آخر .

از ۳۰ تا ٤۰ میشود سی و یك (۳۱) — سی‌ودو (۳۲) — سی و سه (۳۳) سی و چهار (۳٤) الی آخر . .

برای نوشتن عدد های میان دو دهه بجای صفر ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ و ٤۰ و. . . و ۹۰ عدد های ۱ و ۲ و ۳ و . . و ۹ را میگذاریم میشود :

۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱٤ ۱٥ ۱٦ ۱۷ ۱۸ ۱۹

۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲٤ ۲٥ ۲٦ ۲۷ ۲۸ ۲۹

۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳٤ ۳٥ ۳٦ ۳۷ ۳۸ ۳۹

. . . . . . .

. . . . . . .

**صدگان** ـ اگر ۱ یکه به ۹۹ یکـه بیفزاییم میشود صد یکـه یا ۱ صده : $۹۹ + ۱ = ۱۰۰$

۱ صده برابر است با ۱۰ دهه

صده ها را میتوان مانند دهه ها و با یکه‌ها شمرد.

| | |
|---|---|
| ۱ صده یا صد نوشته میشود | ۱۰۰ |
| ۲ صده یا دویست « | ۲۰۰ |
| ۳ صده یا سدصد « | ۳۰۰ |
| . . . . . . | ... |
| . . . . . . | ... |
| . . . . . . | ... |
| ۹ صد یا نهصد | ۹۰۰ |

صدگان را با همان رقمهایی که یکه ها و دهه ها را نوشتیم مینویسیم فقط آنها را در مرتبه سوم دست چپ قرار میدهیم - یعنی یکی از ۹ رقم یکان را نوشته و درراست آن دوصفر میگذاریم

**عددهای بین دو صده** - هر گاه بهر صده اسامی ۹۹ عدد اول را بیفزاییم اعداد بین آن صده و صده بعد را بدست می‌آوریم.

صد - صد و یك صد و دو صد و سه ...... صدو نود و نه

دویست دویست و یك - دویست و دو ...... دویست و نود و نه

سیصد - سیصد و یك - سیصد و دو ...... سیصد و نود و نه

. . . . . . . . . . . . . . . .

. . . . . . . . . . . . . . . .

نهصد - نهصد و یك - نهصد و دو ....... نهصد و نود و نه

برای نوشتن این عدد ها بجای صفر یکان و صفر دهگان رقم یکان و رقم دهگان را میگذاریم.

۱۰۷ـ۱۰۶ـ۱۰۵ ۱۰۴ ـ ۱۰۳ ـ ۱۰۲ ـ ۱۰۱

۱۹۹ .......... ۱۱۱ ـ ۱۱۰ ـ ۱۰۹ ـ ۱۰۸

برای خواندن عدد سه رقمی اول صدگان بعد دهگان و بعد یکان را میخوانیم. عدد ۴۲۵ خوانده میشود چهار صد و بیست و پنج.

عدد ۷۰۴ خوانده میشود هفت‌صد و چهار ( رقم دهگان ندارد )

برای نوشتن عدد سه رقمی اول صدگان بعد دهگان بعد یکان را مینویسیم. عدد سیصدو بیست وهشت نوشته میشود ۳۲۸.

عدد پانصد و نه نوشته میشود ۵۰۹ ( بجای دهگان صفر گذاشته ایم ).

**هزار** ـ هر گاه بنهصد و نود و نه ۱ یکه بیفزاییم حاصل برابر **هزار** میشود.

$$۹۹۹+۱ = ۱۰۰۰$$

---

**تمرین ۱** ـ این اعداد را بخوانید.

۹۲۱ ـ ۹۱۰ ـ ۷۰۰ ـ ۱۰۹ ـ ۱۲۱ ـ ۹۹ ـ ۲۸ ـ ۱۰

۲ ـ این اعداد را بنویسید: شصت‌وهشت ـ نود و پنج ـ صد و بیست‌و دو ـ دویست‌و هشتاد ـ هشتصد و پنجاه هفت ـ نهصد و نود و نه

۳ ـ در اعداد ۱۰۵ ـ ۲۸ ـ ۴۰۹ چند یکه هست؟

در اعداد ۸۲۹ ـ ۳۹۶ ـ ۷۴۷ چند دهه هست.

در اعداد ۷۳۹ ـ ۹٤۸ ـ ۸۱۵ چند صده هست ؟

٤ ـ گردو های کیسه‌یی را شمردیم ۱۰ ردیف ۱۰۰ تایی درست کردیم در کیسه چند گردو بود ؟

۵ ـ تاجری در صندوقش ٦ اسکناس ۱۰۰ ریالی یك اسکناس ۲۰ ریالی یك اسکناس ۵ ریالی و یك سکه ۱ ریالی دارد روی‌هم چقدر پول دارد؟

# افزایش یا جمع

**مسأله** ـ منوچهر ۵ گردو دارد و برادرش هوشنك ۸ گردو روی هم این دو تن چند گردو دارند ؟

برای آنکه بدانیم این دو تن با هم چند گردو دارند گردو های منوچهر را روی گردوهای هوشنك ریخته با هم میشماریم .

00000 + 00000000 = 0000000000000

۵ گردو ۸ گردو ۱۳ گردو

دانستیم روی هم دو برادر روی هم ۱۳ گردو دارند. روی‌هم گذاشتن را افزایش گویند و عدد ۱۳ را حاصل افزایش گردو ها خوانند.

**۱ ـ افزایش اعداد بدون تغییر یکه‌ها و دهه‌ها وصده ها :**

**مسأله** ـ دهقانی یك گاو خرید بمبلغ ۳۲۵ ریال و یك اسب بمبلغ ٤۲۲ ریال روی هم چه قدر پول داده است؟

برای اینکه بدانیم دهقان چقدر پول داده باید ۳۲۵ ریال را با ٤۲۲ ریال جمع کنیم

ریال ریال

۳۲۵ + ٤۲۲

حل ـ دو عدد ۳۲۵ و ۴۲۲ را زیر هم مینویسیم بطریقی که یکان زیر یکان دهگان زیر دهگان وصدگان زیر صدگان قرار گیرد بعد زیر آنها یك خط افقی میکشیم و میگوئیم:

$$\begin{array}{r} ۳۲۵ \\ + ۴۲۲ \\ \hline ۷۴۷ \end{array}$$

۵ و ۲ میشود ۷ ۷ را زیر خط افقی در ستون یکان مینویسیم
۲ و ۲ میشود ۴ ۴ را در زیر خط افقی در ستون دهگان مینویسیم
۳ و ۴ میشود ۷ ، ۷ را زیر خط افقی در ستون صدگان مینویسیم
حاصل افزایش دو عدد میشود ۷۴۴ پس دهقان ۷۴۷ ریال پول داده است.

**۴ ـ افزایش اعداد با تغییر یکه ها و دهه ها و صده ها.**

**مسأله** ـ دانش آموزان کلاس اول دبستان سه دسته‌اند بدین ترتیب: دسته اول ۲۴ تن دسته دوم ۱۸ تن دسته سوم ۸ تن روی هم این کلاس چند تن دانش آموز دارد؟

**حل** ـ سه عدد ۲۴ و ۱۷ و ۸ را زیر هم مینویسیم بطریقی که رقمهای یکان زیر هم ورقمهای دهگان هم زیر یکدیگر قرار گیرند بعد رقمهای یکان را با هم جمع میکنیم:

$$\begin{array}{r} ۲۴ \\ ۱۷ \\ ۸ \\ \hline ۴۹ \end{array}$$

۴ بعلاوه ۷ میشود ۱۱
یازده بعلاوه ۸ میشود ۱۹ ، ۹ را در زیر خط افقی در ستون یکان نوشته و رقم دهگان آنرا که ۱ میباشد با رقمهای دهگان جمع میکنیم حاصل میشود ۴ و این رقم را زیر رقم دهگان مینویسیم پس حاصل

افزایش سه عدد میشود ۴۹ و کلاس اول ۴۹ تن دانش آموز دارد (۱)
باید بدانیم که همیشه میتوان عدد های همجنس را جمع نمود یعنی ۵ گردو را با چند گردوی دیگر - یا شمارهٔ درختان یك باغچه را با شمارهٔ درختان باغچهٔ دیگر - ولی درخت را با گردو نمیتوان جمع نمود.

## مسأله های حل کردنی (۲):

۱ - در کارخانه دو دسته کارگر کار میکنند ۱۷۵ نفر در روز و ۱۴۸ نفر در شب معین کنید روی هم رفته روز و شب چند تن کارگر در این کارخانه کار میکنند؟

۲ - نوشت افزار فروشی در روز شنبه ۱۷۶ مداد در روز یکشنبه ۲۹۷ مداد و در روز دوشنبه ۲۴۵ مداد فروخت معین کنید روی هم در این سه روز چند مداد فروخته است؟

۳ - خانواده یی درماه مهر ۶۴۲ ریال خرج کرده و در آخر ماه ۳۴ ریال پس انداز کرده معین کنید در آمد این خانواده در ماه مهر چه بوده؟

۴ - گوشت فروشی در یك روز گوشت سه گوسفند را فروخت گوسفند اول ۳۸ کیلوگرم گوسفند دوم ۴۲ کیلوگرم و گوسفند سوم ۴۹

---

(۱) - تذکر - آموزگار بکمك تمرینهای زبانی زیاد باید عمل افزایش دو عدد یك رقمی و عدد یك رقمی را با عدد دو رقمی بدانش آموزان یاد بدهد بقسمی که ذهنی بچه‌ها شود و بچه بدون تأمل و تفکر بگوید ۵ بعلاوه ۶ میشود ۱۱ وهمچنین ۸ و ۱۷ میشود ۲۵ . . . و تا میتوان ازچیزهای موجود در کلاس و دبستان استفاده نمود و عمل افزایش را هم عملا آموخت.

(۲) - در دادن مسائل دقت شود که هر مساله بیش از یك یا دو عمل نداشته باشد و اعداد هم از هزار تجاوز نکند.

کیلو کرم گوشت داشت معین کنید چند کیلو گوشت گوسفند در آن روز فروخته شده است

۵ ـ در کنار نهری ۲۵۶ درخت چنار و ۲۷۵ درخت بید و ۴۰۵ درخت تبریزی و ۴۹ درخت گردو شمرده شد معین کنید در کنار این نهر روی هم چند درخت کاشته شده ؟

۶ ـ شخصی در ماه گذشته ۴۵۰ ریال خرج کرد و ۲۰۰ ریال هم کنار گذاشته در آن ماه در آمد او چقدر بوده است ؟

**امتحان افزایش** ـ اگر عدد های جمع کردنی را از بالا بپائین جمع کرده ایم برای آنکه اطمینان پیدا کنیم که حاصل درست میباشد دفعه دیگر از پائین ببالا عمل افزایش را انجام میدهیم اگر دو حاصل افزایش برابر بود عمل افزایش صحیح میباشد

## کاهش یا تفریق

**مسأله** ـ هوشنگ ۱۲ گردو داشت ۵ گردوی خود را ببرادرش داد چند گردو برایش مانده است ؟

۱۲ گردو را روی زمین می چینیم و بوسیله یك چوب کوچك ۵ گردو از آن جدا میکنیم . 0 0 0 0 0 0 0 | 0 0 0 0 0

و گردو هائیکه باقی میماند میشماریم می بینیم که ۷ گردو باقی مانده است صورت عمل را بدینطریق مینویسند

گردو گردو گردو

۱۲ — ۵ = ۷

این علامت (—) علامت کاهش است .

۲ ـ ناهید ۹ سال و خواهرش زهره ۵ سال دارد معین کنید ناهید از زهره چند سال بزرگتر است؟

گوییم برای آنکه سن زهره به ۹ سال برسد باید ٤ سال بر آن افزود یعنی

سال سال سال

۵ + ٤ = ۹

پس ناهید چهار سال بزرگتر از زهره است .

و نیز میتوان ۵ سال را از ۹ سال کم کرد .

سال سال سال

۹ — ۵ = ٤

در کاهش همیشه دو عدد در دست میباشد که معمولا یکی بزرگتر و دیگری کوچکتر است (۱) ومقصود از کاهش پیدا کردن تفاوت آن دو عدد است تفاوت را مانده کاهش گویند و بین دو عدد علامت کاهش را میگذارند و میگویند ۵ از ۱۲ مساویست با ۷

**کاهش دو عدد دو رقمی**

( حساب کلاس اول دیده شود )

**کاهش دو عدد چند رقمی**

۱ ـ میخواهیم عدد ۳۵٤ را از ۷٦۹ کم کنیم

۷٦۹ — ۳۵٤ = ......

چنین رفتار میکنیم . عدد کوچکتر را زیر عدد بزرگتر مینویسیم

---

۱ ـ دو عدد مساوی را هم میتوان از یکدیگر تفریق نمود : ۰ = ۵ — ۵

بقسمی که یکان زیر یکان و دهگان زیر دهگان و صدگان زیر صدگان قرار گیرد :

۷٦۹
‎-۳٥٤
۴۱٥

٤ از ۹ باقی میماند ٥ ، ٥ را در زیر خط افقی و زیر ستون اول ( ستون یکان ) مینویسیم
٥ از ٦ میماند ۱ ، ۱ را در زیر ستون دوم ( ستون دهگان ) مینویسیم
۳ از ۷ میماند ٤ ، ٤ را در زیر ستون سوم (ستون صدگان ) مینویسیم
مانده کاهش عبارت است از ٤۱٥

۲ ـ مانند مثال بالا عدد ۲٤۷ را از ٦۹۸ کم کنید میشود :

٦۹۸
‎-۲٤۷
٥٤۰

٦۹۸ — ۲٤۷ = ٤٥۱

۳ ـ میخواهیم عدد ۳٥۷ را از ۹۹۳ کم کنیم ، عدد کوچکتر را زیر عدد بزرگتر مینویسیم می بینیم که ۷ را نمیتوان از ۳ کم کرد ۱۰ یکه بر سه می افزاییم میشود ۱۳ و بعد هفت را از ۱۳ کم می کنیم حاصل کاهش میشود ٦ ، ٦ را زیر رقم یکان نوشته و ۱ یکه بر رقم دهگان عدد کوچکتر می‌افزاییم و حاصل را از رقم دهگان عدد بزرگتر کم میکنیم میشود ۳ و چون رقم صدگان عدد کوچکتر را هم از رقم صدگان عدد بزرگتر کم کنیم حاصل میشود ٥ پس ماندهٔ کاهش عدد ۳٥۷ از ۸۹۳ برابر است با ٥۳٦ .

۸۹۳
‎-۳٥۷
٥۳٦

۸۹۳ — ۳٥۷ = ٥۳٦

**امتحان عمل کاهش** ـ چون ماندهٔ کاهش را با عدد کوچکتر جمع کنیم حاصل افزایش باید برابر عدد بزرگتر گردد.

| امتحان | عمل کاهش |
|---|---|
| ۵۳۶ | ۸۹۳ |
| ۳۵۷ | — ۳۵۷ |
| ۸۹۳ | ۵۳۶ |

**تمرین** (۱) ـ این تمرینها را انجام دهید

| | | |
|---|---|---|
| ۳۹۲ — ۱۴۷ | ۹۰۵ — ۴۲۱ | ۳۱۶ — ۹۹ |
| ۴۷۳ — ۱۵۱ | ۹۵۲ — ۷۶۹ | ۳۵۰ — ۴۹ |
| ۷۰۶ — ۳۱۸ | ۳۱۱ — ۲۰۹ | ۶۱۰ — ۴۵۰ |

**مسأله ها** ـ ۱ ـ خانواده‌یی درماه ۹۶۰ ریال درآمد دارد وهزینه این خانواده در ماهٔ ۷۴۶ ریال است‌در آخر ماه چه قدر برای آن پول باقی‌می‌ماند؟

۲ ـ پدری ۲۴ سال و پسرش ۱۳ سال دارد معین کنید پدر چند

---

(۱) **تذکر** ـ آموزگار بایدبوسیلهٔ تمرینهای زیاد زبانی ونوشتنی (که البته چندروز وقت لازم دارد) دانش‌آموزان‌را عادت‌دهد که‌در ذهن دوعددیك رقمی و همچنین عدد یك رقمی را از عدد دو رقمی کم نمایند.

بدواً بکمك چیز های موجود در کلاس از قبیل میز و نیمکت و شاگرد و کتاب و قلم و انگشتان دست و بعد دوعدد مطلق را مانند اعداد رو برو ازهم کم کنید بقسمی که بچه ها با سرعت بتوانند در ذهن عددی را از عدد دیگر کم کنند.

۱۲ — ۳ = ....

۲۷ — ۹ = ....

۱۴ — ۸ = ....

۴۳ — ۵ = ...

سال از پسر خود بزرگتر است ( و یا آنکه در موقع تولد پسر پدر چند ساله بوده است ) ؟

۳ ـ هیزم فروشی ۹۵٦ من هیزم تر خرید و انبار کرد پس از ۳ ماه بواسطه خشك شدن ٦۸ من از وزن آنها کاسته شد چند من هیزم خشك شده دارد ؟

٤ ـ علاوی ٥ بار ذغال خرید که جمعاً ٥٤٦ کیلو گرم وزن داشت آنها را سرند کرد ۱۹٥ کیلوگرم خاکه بدست آورد ـ پس چند کیلوگرم ذغال سرند کرده دارد ؟

٥ ـ دو کارگر یکی در ماه ٤۷٥ ریال و دیگری ۲۸۹ ریال مزد دارند معین کنید کارگر دوم چه قدر کمتر از کارگر اول مزد میگیرد ؟

کارگر اول چه قدر بیشتر از کارگر دوم مزد میگیرد .

دو کارگر روی هم چقدر مزد میگیرند ؟

٦ ـ در کارخانه یی ۳۷۲ کارگر کار میکنند ۱۹۸ تن مرد و بقیه زن میباشند معین کنید شماره کارگران زن را ؟

۷ ـ سال ۳٦٥ روز است کارگری ۳۲۹ روز در سال کار کرد معین کنید چند روز در سال تعطیل داشته است ؟

۸ ـ کتابفروشی ٤۷٥ جلد کتاب اول و دوم خرید میدانیم ۱۳۷ جلد از آنها کتاب کلاس دوم بود کتابهای کلاس اول چند جلد می باشد

۹ ـ شخصی برای مصرف یك ماهه خانواده خود ۲۹ کیلوگرم

قند و شکر بمبلغ ۲۷۷ ریال خرید میدانیم ۳۱ کیلوگرم آن شکر بود و بهای آن هم ۹۱ ریال بوده است معین کنید مقدار قند و بهای آنرا؟

---

**تذکر** ـ نه مساله فکری که بعمل جمع و تفریق بستگی دارد بعنوان نمونه در متن کتاب ذکر شد آموزگار مساله‌هایی نظیر آنها که مربوط بامور زندگی عادی باشد و بچه ها بتوانند تصور آنرا بنمایند ودرضمن حل هر یك از آنها نکته‌یی از اصول زندگی‌را شامل باشد طرح خواهد کرد و برای حل بدانش آموزان خواهد داد بدیهی است در موقع حل سعی خواهد نمود که کاملا مساله و مطالب آنرا قبلا بدانش‌آموزان بفهماند .

## بسشماری یا ضرب

**مسأله** ـ دست راست کلاس ٤ نیمکت گذاشته شده و بر هر نیمکت سه تن نو آموزان نشسته اند روی هم چند نفر روی این چهار نیمکت نشسته‌اند.

گوییم ۳ بعلاوه ۳ میشود ٦ ‏ ٦ بعلاوه ۳ میشود ۹

۹ بعلاوه ۳ میشود ۱۲

شاگرد شاگرد شاگرد شاگرد

۳ + ۳ + ۳ + ۳ = ۱۲

و یا میگوییم ٤ تا ۳ شاگرد میشود ۱۲ شاگرد که بدین طریق مینویسند:

شاگرد ‏ شاگرد

۳ × ٤ = ۱۲

و میخوانند ۳ ضرب در ٤ مساویست به ۱۲

۳ شاگرد مضروب ( بس شمرده )

٤ مضروب فیه ( بس‌شمر )

و ۱۲ شاگرد حاصل ضرب نامیده میشود (۱)

این عمل را بسشماری یا ضرب گویند علامت بسشماری ( × ) است که بین دو عدد میگذارند.

### ۱ ــ ضرب دو عدد یکرقمی

برای دانستن این ضربها باید جدول ضرب را یادگرفت.

---

(۱) نام یکه‌های حاصل‌ضرب همان نام یکه‌های مضروب ولی مضروب‌فیه عدد مطلق است ـ برای اینکه بین مضروب و مضروب‌فیه اشتباه نشود همیشه مضروب را دست چپ و مضروب‌فیه را دست راست بنویسید

برای آسانی این جدول ها را بخاطر بسپارید(۱).

| گردو | گردو |
|---|---|
| ۲ یکی میشود ۱ | ۱×۱=۱ |
| ۱ یکی میشود ۲ | ۱×۲=۲ |
| ۳ یکی میشود ۳ | ۱×۳=۳ |
| ٤ یکی میشود ٤ | ۱×٤=٤ |
| . . . . . | ۱×٥=٥ |
| . . . . . | ۱×٦=٦ |
| . . . . . | ۱×۷=۷ |
| . . . . . | ۱×۸=۸ |
| . . . . . | ۱×۹=۹ |
| ۱۰ یکی میشود ۱۰ | ۱×۱۰=۱۰ |

| سیب | سیب |
|---|---|
| ۱ دوتا میشود ۲ | ۲×۱=۲ |
| ۲ دوتا میشود ٤ | ۲×۲=٤ |
| ۳ دوتا میشود ٦ | ۲×۳=٦ |
| ٤ دوتا میشود ۸ | ۲×٤=۸ |
| . . . . . | ۲×٥=۱۰ |
| . . . . . | ۲×٦=۱۲ |
| . . . . . | ۲×۷=۱٤ |
| . . . . . | ۲×۸=۱٦ |
| . . . . . | ۲×۹=۱۸ |
| ۱۰ دوتا میشود ۲۰ | ۲×۱۰=۲۰ |

| آلو | آلو |
|---|---|
| ۱ سه‌تا میشود ۳ | ۱×۳=۳ |
| ۲ سه‌تا میشود ٦ | ۳×۲=٦ |
| ۳ سه‌تا میشود ۹ | ۳×۳=۹ |
| ٤ سه تا میشود ۱۲ | ۳×٤=۱۲ |
| . . . . . . | ۳×٥=۱٥ |
| . . . . . . | ۳×٦=۱۸ |
| . . . . . . | ۳×۷=۲۱ |
| . . . . . . | ۳×۸=۲٤ |
| . . . . . . | ۳×۹=۲۷ |
| ۱۰ سه‌تا میشود ۳۰ | ۳×۱۰=۳۰ |

| میز | میز |
|---|---|
| ۱ چهارتا میشود ٤ | ٤×۱=٤ |
| ۲ چهارتا میشود ۸ | ٤×۲=۸ |
| ۳ چهارتا میشود ۱۲ | ٤×۳=۱۲ |
| ٤ چهارتا میشود ۱٦ | ٤×٤=۱٦ |
| ٥ چهارتا میشود ۲۰ | ٤×٥=۲۰ |
| . . . . . . | ٤×٦=۲٤ |
| . . . . . . | ٤×۷=۲۸ |
| . . . . . . | ٤×۸=۳۲ |
| . . . . . . | ٤×۹=۳٦ |
| ۱۰ چهارتا میشود ٤۰ | ٤×۱۰=٤۰ |

(۱) هریك ازاین جدولها را ممکن است درمدت چند روز بوسیلهٔ مثالهای عملی ومحسوس آموخت

نیمکت نیمکت

| | |
|---|---|
| ١ پنج تا میشود ٥ | ٥×١=٥ |
| ٢ پنج تا میشود ١٠ | ٥×٢=١٠ |
| ٣ پنج تا میشود ١٥ | ٥×٣=١٥ |
| ٤ پنج تا میشود ٢٠ | ٥×٤=٢٠ |
| ٥ پنج تا میشود ٢٥ | ٥×٥=٢٥ |
| . . . . . . | ٥×٦=٣٠ |
| . . . . . . | ٥×٧=٣٥ |
| . . . . . . | ٥×٨=٤٠ |
| . . . . . . | ٥×٩=٤٥ |
| ١٠ پنج تا میشود ٥٠ | ٥×١٠=٥٠ |

مداد مداد

| | |
|---|---|
| ١ شش تا میشود ٦ | ٦×١=٦ |
| ٢ شش تا میشود ١٢ | ٦×٢=١٢ |
| ٣ شش تا میشود ١٨ | ٦×٣=١٨ |
| ٤ شش تا میشود ٢٤ | ٦×٤=٢٤ |
| ٥ شش تا میشود ٣٠ | ٦×٥=٣٠ |
| . . . . . . | ٦×٦=٣٦ |
| . . . . . . | ٦×٧=٤٢ |
| . . . . . . | ٦×٨=٤٨ |
| . . . . . . | ٦×٩=٥٤ |
| ١٠ شش تا میشود ٦٠ | ٦×١٠=٦٠ |

کتاب کتاب

| | |
|---|---|
| ١ هفت تا میشود ٧ | ٧×١=٧ |
| ٢ هفت تا میشود ١٤ | ٧×٢=١٤ |
| ٣ هفت تا میشود ٢١ | ٧×٣=٢١ |
| . . . . . . | ٧×٤=٢٨ |
| . . . . . . | ٧×٥=٣٥ |
| . . . . . . | ٧×٦=٤٢ |
| . . . . . . | ٧×٧=٤٩ |
| . . . . . . | ٧×٨=٥٦ |
| . . . . . . | ٧×٩=٦٣ |
| ١٠ هفت تا میشود ٧٠ | ٧×١٠=٧٠ |

دوات دوات

| | |
|---|---|
| ١ هشت تا میشود ٨ | ٨×١=٨ |
| ٢ هشت تا میشود ١٦ | ٨×٢=١٦ |
| ٣ هشت تا میشود ٢٤ | ٨×٣=٢٤ |
| . . . . . . | ٨×٤=٣٢ |
| . . . . . . | ٨×٥=٤٠ |
| . . . . . . | ٨×٦=٤٨ |
| . . . . . . | ٨×٧=٥٦ |
| . . . . . . | ٨×٨=٦٤ |
| . . . . . . | ٨×٩=٧٢ |
| ١٠ هشت تا میشود ٨٠ | ٨×١٠=٨ |

| | قلم | قلم |
|---|---|---|
| ۱ نه تا میشود ۹ | ۹×۱=۹ | |
| ۲ نه تا میشود ۱۸ | ۹×۲=۱۸ | |
| ۳ نه تا میشود ۲۷ | ۹×۳--۲۷ | |
| . . . . . . | ۹×۴=۳۶ | |
| . . . . . . | ۹×۵×۴۵ | |

| | قلم | قلم |
|---|---|---|
| ۶ نه تا میشود ۵۴ | ۹×۶=۵۴ | |
| . . . . . . | ۹×۷=۶۳ | |
| . . . . . . | ۹×۸=۷۲ | |
| . . . . . . | ۹×۹=۸۱ | |
| ۱۰ نه‌تا میشود ۹۰ | ۹×۱۰=۹۰ | |

**تمرین** ـ در هر یك از ضرب های بالا بگوئید.

۱ ـ مضروب کدام است؟ ۲ ـ مضروب چند دفعه تکرار میشود؟

۳ ـ حاصل ضرب کدام است؟ ۴ یکه حاصل ضرب ویکه مضروب چیست؟

## ۴ ـ ضرب عدد یك رقمی در عدد چند رقمی

**مسأله** ـ در ساختمانی ۳۵ کارگر کار میکنند و مزد روزانه هریك ۸ ریال است روی هم در روز چند ریال مزد میگیرند؟

ریال ریال
۸×۳۵=۲۸۰

**یا**

```
  ۵۳
 ×۸
────
 ۲۸۰
```

عدد ۸ را زیر عدد ۳۵ مینویسیم و زیر آن یك خط افقی میکشیم و میگوییم ۸ پنج تا میشود ۴۰ ـ ۰ را مینویسیم و ۴ دهه را بخاطر میسپاریم که بحاصل ضرب بعد بیفزاییم.

۸ سه تا میشود ۲۴ و با ۴ (که بخاطر سپرده بودیم) می شود ۲۸ عدد ۲۸ را در سمت چپ رقم یکان مینویسیم حاصل‌ضرب میشود ۲۸۰

**تمرین** ـ این ضربها یا سشماریها را انجام دهید

۴۷×۶ ۵×۱۴۲ ۵۰۰×۲ ۱۲۹×۳ ۱۴۰×۷

**مسأله ها** ۱ ـ یك سال ۱۲ ماه دارد ۶ ماه اول هر یك ۳۱ روز ۵ ماه بعد هریك ۳۰ روز ماه آخر ۲۹ روز داردپس یکسال چندروز دارد؟

۲ ـ یك گوسفند در سال ۲ کیلو گرم پشم میدهد معین کنید از یك گله گوسفند که ۳٤٥ گوسفند دارد در سال چه قدر پشم بدست می آید؟

۳ ـ در بنگاهی روزی ٤۷ من نان خورده میشود و میدانیم نان منی ۹ ریال است معین کنید بهای نان را در یك روز ؟ (۱)

٤ ـ کتابی ۱۲٥ صفحه دارد ٦ کتاب شبیه به آن چند صفحه دارند ؟

٥ ـ در ۹ کتابچه ۲٤ صفحه‌یی چند صفحه هست ؟

٦ ـ خانوادیی در سال ٤۷٥ من هیزم و ۱۹۰ من زغال لازم دارد اگر هیزم منی ۱ ریال و زغال منی ۳ ریال باشد بهای هیزم و زغال این خانواده در سال چقدر است ؟ (۱)

۷ ـ یك توپ چلوار ٤۲ متر است و هر یك متر آن ۸ ریال ارزش دارد معین کنید بهای یك توپ چلوار را ؟ (۱)

۸ ـ کتابی ۲۷٦ صفحه دارد و در هر صفحه ۹ سطر خط درشت و ۲ سطر خط ریز نوشته شده معین کنید رویهم رفته در این کتاب چند سطر نوشته شده است ؟

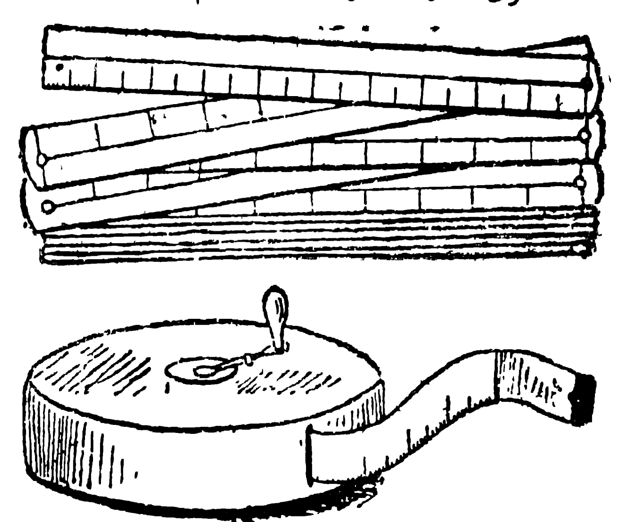
۹ ـ یکنفر در روز ۲ بطری آب می‌نوشد و ۱۰ بطری آب برای پاکیزگی خود لازم دارد پس روی هم در ماه چند بطری آب مصرف میکند ؟ (ماه ۳۰ روز است)

## متر ـ کیلوگرم ـ ریال ـ ماه روز سال

متر ـ نو آموزان دیده‌اند که پارچه فروش یك میله فلزی دارد که با آن پارچه ها را اندازه میگیرد این میله فلزی معمولا نیم متراست دوتای آن میشود ۱ متر

(۱) قیمتها بر طبق روز تعیین شود

متر بشکلهای دیگر هم پیدامیشود گاهی بشکل نوار پارچه‌یی گاهی بشکل ده قطعه فلزی مساوی که نوك های آنها بهم متصل است



پارچه را با متر اندازه میگیرند با متر درازا و پهنای اطاق و حیاط را اندازه میگیرند مثلا میگویند درازای اطاق ٦ متر و پهنای آن ٤ متر است .

۱۰۰۰ متر برابر یك کیلو متر است . برای اندازه گرفتن درازای جاده ها کیلو متر بکار میرود میگویند از طهران تا تجریش ١٤ کیلومتر است .

**تمرین** ـ در روی تخته سیاه خطی بدرازای یك متر بکشید :

۱ ـ خطوطی که باندازه یك متر و یا تقریباً یکمتر باشند نظراً با آن مقایسه کنید

۲ ـ خطوط دیگری را که تقریباً ۲ یا ۳ برابر آن باشد نیز نظراً با آن مقایسه بکنید و اندازهٔ آن را بگویید

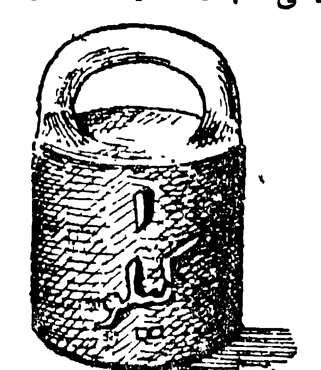
پس از گرفتن این اندازه ها با یکی از اقسام متر اندازه بگیرید و معلوم کنید تا چه اندازه نظرتان درست بوده .

**مسأله ها** ـ حیاط ما چهار دیوار دارد درازای دیوار اول

۲۷ متر دیوار دوم ۲۵ متر دیوار سوم ۱۸ متر و دیوار چهارم ۱۷ متر میباشد معین کنید درازای چهار دیوار روی هم چقدر است ؟

۲ ـ شخصی از تهران بتجریش رفت و از تجریش بطهران آمد معین کنید چند کیلو متر راه رفته ( از تهران تا تجریش ۱۴ کیلو متر است ) .

**کیلو گرم** ـ وقتی میخواهند نان ـ گوشت قند ـ شکر زغال ـ هیزم ـ گندم ـ برنج و روغن بفروشند آنها را وزن میکنند یعنی آنها را در یك کفه ترازو گذاشته و در کفه دیگر قطعه فلزی



که نام آن وزنه است میگذارند وزنه ها که وسیله اندازه گرفتن این وزن چیز ها میباشد ۱ کیلوگرم و ۲ کیلوگرم و ۳ کیلوگرم یا نیم کیلوگرم است که روی هر یك نوشته شده است .

**مسأله** ـ چهار تا از کتابهای درسی شما یك کیلوگرم وزن دارد چند تا از این کتابها ۲ کیلو گرم ، ۵ کیلو گرم وزن ، ۱۰ کیلوگرم وزن دارد ؟

**پول ـ ریال** ـ نو آموزان دیده اند وقتی پدر یا مادر آنها چیزی میخرند بهای آنرا میدهند بهای چیز ها با پول داده میشود پول دو قسم است فلزی کاغذی

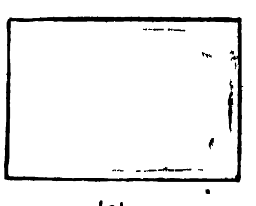
روی پولهای کاغذی که اسکناس باشد بهای آن نوشته شده مثلا اسکناس پنج ریالی و ده ریالی و بیست ریالی و پنجاه ریالی و صد ریالی

و پانصد ریالی و هزار ریالی .
روی پولهای فلزی که قطعه های گرد و کوچك می باشند نیز
بهای هر یك نوشته شده پولهای فلزی کمتر از ۱ ریال عبارتند از :
نیم ریال یا پنجاه دینار - ۱۰ دینار - ٥ دینار .
**وقت یا زمان و سال و ماه و روز** - سال ۱۲ ماه دارد ٦ ماه
اول سال ۳۱ روز پنج ماه بعد هر یك ۳۰ روز و ماه آخر ۲۹ روز دارد
سال بچهار فصل تقسیم میشود . بهار و تابستان و پائیز و زمستان
در هر فصل سه ماه است نام ماههای سال عبارت است از فروردین اردیبهشت
و خرداد و تیر و مرداد وشهریور و مهر و آبان وآذر ودی و بهمن واسفند
هر هفت روز را یکهفته گویند و نام روز های هفته عبارت است
از شنبه و یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه
و آدینه یا جمعه
در هر شبانه روز ( ویا فاصله بین دو طلوع آفتاب ) ۲٤ ساعت است
در هر یکساعت ٦۰ دقیقه و در یکدقیقه ٦۰ ثانیه موجود است (۱)
سال شروع میشود از نوروز که روز اول سال ما ایرانیها و
ابتداء بهار میباشد

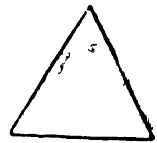
## کشیدن و شناختن اشکال هندسی ساده

همه میدانیم که کف حیاط و دالان با آجر فرش شده رویه آجرها
را **مربع** گویند مربع چهار پهلو دارد که
با هم برابرند ما می توانیم باسانی از کاغذ
یا تخته و مقوا مربع سازیم
رویه بدنه آجر یا جلد کتاب را **مربع مستطیل** یا راست گوشه

(۱) شناختن وقت را از روی ساعت عملا یاد بدهند .

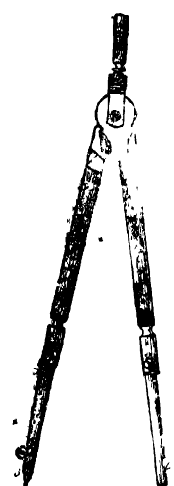


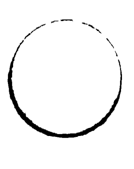

گویند شکل قالی و قالیچه و روی میزی و کف اطاق و بعضی در و پنجره ها بشکل راستگوشه است راستگوشه چهار پهلو دارد که دو بدو روی هم قرار دارند و با هم برابرند پهلوی دراز تر را درازا و پهلوی کوتاه تر را **پهنای** راستگوشه نامند.



شکلی را که سه پهلو و سه گوشه دارد **مثلث** یا **سه گوشه** گویند.

پولهای فلزی نیم ریالی یا ده دیناری گرد میباشند و چنین شکلهای گرد را **دایره** نامند ـ لبه استکان یا دوری و بشقاب دایره است روی زمین یا روی کاغذ بآسانی میتوان دایره کشید و اسبابی را که با آن روی کاغذ دایره میکشند **پرگار** نامند،





---

**تذکر** ـ آموزگار بایددر کلاس بوسیله قیچی از کاغذ شکلهای مربع و مربع مستطیل و مثلث و دایره رابریده و هر یک را نشان بدهد و همچنین راه رسم کردن هر یک را روی تخته سیاه و یا بر صفحه کاغذ یاد بدهد .

# فهرست

## حساب